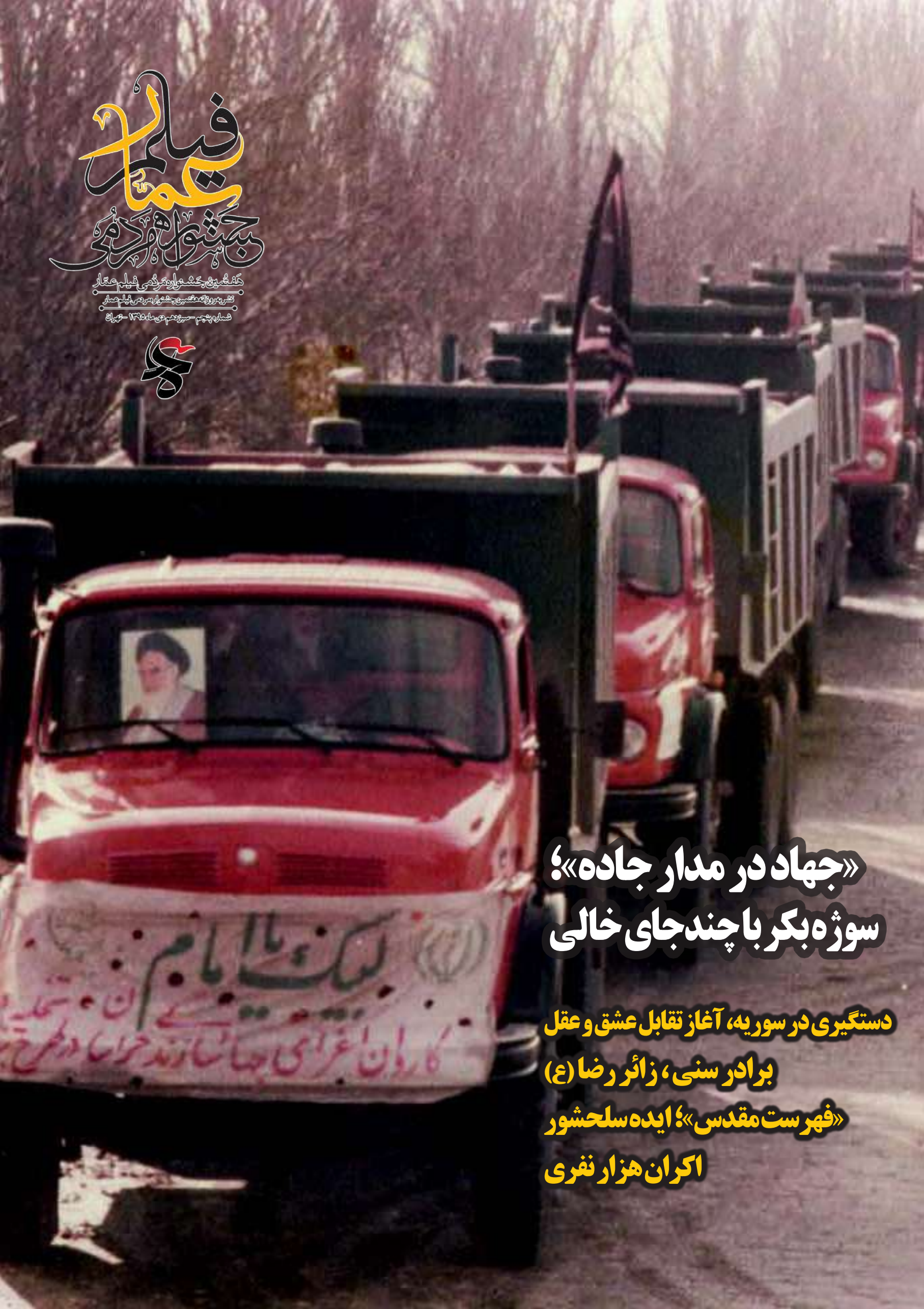


فیلمنامه پیش‌شروع ۲۴ شهریور

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
کتابخانه مرکزی و اطلاع‌رسانی
شماره پنجم - سیزدهم - ماه ۱۳۹۵ - تهران



«جهاد در مدار جاده»؛ سوژه بکر با چند جای خالی

دستگیری در سوریه، آغاز تقابل عشق و عقل

برادر سنی، زائر رضا (ع)

«فهرست مقدس»؛ ایده سلحشور

اکران هزار نفری

گزارش تصویری روز چهارم



فیلم
جستجوگران

۲

عکس



فواد ایزدی:

در معرفی آمریکا باید بیطرف بود؛ هم مثبت گفت هم منفی

دکتر فواد ایزدی استاد دانشگاه تهران در چهارمین نشست هنر و واقعیت با عنوان سوژه‌های جامعه آمریکا برای فیلمسازی گفت: با توجه به فاصله فراوان ایران تا کشور آمریکا ما هیچ کاری به کشور آمریکا نداشته و نداریم؛ اما این آنها هستند که همیشه در امور داخلی ما دخالت کرده و بحران‌سازی می‌کنند. ما در آمریکا کودتا نکردیم و باز هم ما نبودیم که بر علیه آنها بودجه تصویب کردیم بلکه این اقداماتی بود که از سوی آمریکا بر ضد کشور ایران برنامه ریزی شده است.

یک واقعیتی که در مورد کشور آمریکا وجود دارد این است که مسئولان اداره کننده این کشور نمی‌خواهند ما واقعیات جامعه آنها را متوجه بشویم؛ در حقیقت تبلیغاتی که از جامعه آمریکا مشاهده می‌کنیم با واقعیت‌های این کشور هماهنگ نیست.

ایزدی شناخت جامع از آمریکا را بسیار مهم می‌داند و می‌گوید: ما وقتی با چنین کشوری روبرو هستیم شناخت آن برای ما بسیار با اهمیت است؛ زمانی که آمریکا در تحلیل‌ها و بیانیه‌های خود در مورد ایران مواردی چون وضعیت حقوق بشر، دموکراسی و برخورد با اقلیت‌ها را پیگیری می‌کند ما هم باید متقابلاً در مورد آمریکا این موارد را پیگیری کنیم و اگر اهمیت این موضوع را درک کنیم آن وقت است که ابزار فیلم و مستند در این مسیر برای ما تأثیرگذار می‌شود. ایزدی خواستار گسترش و هوشمند شدن ابزار انتقال پیام از طریق سینما به مردم شد و تصریح کرد: اگر قرار است ما در مورد کشور آمریکا و وضعیت درونی آن پیامی برای مردم خود صادر کنیم بهترین شکل این است که آن پیام توسط سینما و ابزار هنر انتقال داده شود؛ نکته دیگر اینکه کارکرد این ابزار باید گسترش پیدا کند و هوشمند نیز شود.

وی با ابراز تاسف از عدم توانایی در معرفی مناسب آمریکا به مردم کشور گفت: متأسفانه تا امروز ما نتوانسته‌ایم کشور آمریکا را آنگونه که هست برای مخاطبان و مردم کشور خود نمایش داده و به آنها معرفی کنیم؛ این در حالی است که اگر بتوانیم این مهم را محقق سازیم می‌توانیم بسیاری از مشکلات امروز جامعه که متأثر از نفوذ و تأثیر نامطلوب فرهنگ آمریکا بر مردم است را برطرف کنیم.

ایزدی از لزوم معرفی بی‌طرفانه آمریکا به مردم کشور می‌گوید: اگر بخواهیم در این حوزه درست کار کنیم باید همه چیز آمریکا را بی‌طرفانه و بدون سانسور به مردم نشان بدهیم؛ در حقیقت در معرفی آمریکا به مردم باید بی‌طرف باشیم و این بی‌طرفی هم دستوری صادر شده از جانب اسلام است.

ایزدی به سردرگم کردن مردم توسط برنامه‌های تلویزیون اشاره کرد و گفت: زمانی که در بخش خبری ساعت ۲۱ که ادبیاتی ضد آمریکایی دارد اخبار و تحلیل‌هایی از این کشور می‌بینیم و می‌شنویم و درست بعد از آن فیلم‌های سینمایی آمریکایی را پخش می‌کنیم که نشان‌دهنده پیشرفت و تکنولوژی بالای این کشور است عملاً اقدام به سردرگم کردن مخاطبان و مردم خود می‌کنیم.

وی لزوم پوشش رسانه‌ای صحیح یک کشور را مهم ارزیابی و خاطر نشان کرد: روش صحیح پوشش رسانه‌ای یک کشور این است که تمامی ابعاد مختلف آن را آنگونه که هست نشان داده و در این راه نیاز به سانسور نیست؛ اگر اینگونه عمل کنیم آن وقت است که مخاطبان احساس بهتری نسبت به رسانه‌های ما پیدا می‌کنند.



اسلام زاده:

اهل سنت را در حاشیه‌های زندگی یاد نبریم

محسن اسلام زاده که تجربه مستند «اهل سنت ایران» را بازگو می‌کرد، گفت: این فیلم با بیش از دو میلیون بازدید در یوتیوب یک مستند نیمه بلند ۶۰ دقیقه‌ای است که در ابتدا قرار بود در ۶ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای تولید شود ولی در نهایت تصمیم گرفتیم آنرا به یک ساعت برسانیم تا مخاطبش را از دست ندهد و پا به پای فیلم همراه ما باشد، و داستان یک تحلیلگر مصری را از زندگی و آشنا شدن و بازدیدش از مناطق سنی نشین ایران است.

این فیلم یک سفر ۷۰ روزه و با سفر به بیش از ۱۱ استان کشور به طول انجامید، در واقع می‌توان آن را یک مستند ساده‌ای نامید چرا که ما روزهای زیادی در مسیر سفر زمینی مان دوربین بر دوش داستان فیلم را روایت کردیم، تولید فیلم با زیر نویس فارسی باعث شد که حتی برخی فکر کنند این فیلم تولید یک کارگردان در داخل کشور نیست حتی ما سعی کردیم برای موسیقی‌هایی که باید در کار استفاده شود از موسیقی‌های محلی مردم ساکن این مناطق استفاده کنیم کما اینکه یکی از نوازندگان اثر در خلال این مستند از میان ما رفتند.

در حقیقت مستند اهل سنت ایران یک مستند توریستی- مذهبی است که این باعث جذاب شدن آن برای مخاطب شده است.

اسلامزاده به برخی اشتباهات و ضعف‌های مستندش هم اذعان می‌کند: این فیلم با دو ضعف اصلی و مهم رو به رو است، مهمترینش این است که از دقیقه ۴۰ به بعد فیلم اصطلاحاً از ریتم می‌افتد و مخاطب را دچار خستگی می‌کند و باید سعی می‌شد با صحنه‌های جذاب‌تر این ضعف پوشش داده شود، دومین ضعفی که بارها به من گوشزد شد این بود که چرا راوی داستان را بیشتر در جریان فیلم درگیر قصه نکرده ایم اصطلاحاً حضور راوی باید صمیمی‌تر و فعال‌تر نشان داده می‌شد اگر چه حضور این راوی که خودش از اهل سنت بود جدا از فعالیت‌های رسانه‌ای اش را باید یک امتیاز بزرگ برای فیلم دانست.

اسلام زاده می‌گوید که مستند اهل سنت ایران پلان‌هایی داشت که برای اولین بار از تلویزیون رسمی ایران پخش می‌شد.

وی اولین جرقه‌هایی که باعث شده به سراغ این موضوع برود را اینگونه بیان می‌کند: نخستین جرقه بازتاب‌های رسانه‌های برون مرزی از اهل سنت در کشور بود، ما در صحنه حضور قاضی نشان دادیم که این عزیزان از آزادی فرهنگی اجتماعی برخوردار هستند.

اسلام زاده بیان در انتها گفت: نباید فراموش کنیم که جریان‌های ضد وحدت در کشورمان و در برخی از استان‌ها همچون خراسان با قدرت و شدت در حال فعالیت هستند در عین حال این را هم از یاد نبریم که آنها نیز برای دفاع از کشورمان شهید داده‌اند و خود ما هم گاهی برخورد خوبی با آنان نداریم و گاهی آن‌ها از ترس واکنش‌های ما حتی هویت خویش را کتمان می‌کنند با اینکه این فیلم درکل برای مخاطب ایرانی ساخته نشده بود اما نمایش آن در داخل کشور هم می‌تواند افق دید مخاطبین را نسبت به این قشر از اعضای جامعه ترمیم کند تا بتوانند با نگرشی مثبت‌تر آن‌ها را درمیان خود بپذیرند.



«جهاد در مدار جاده»؛ سوژه بکر با چند جای خالی

هانیه پایور

«جهاد در مدار جاده» عنوان مستندی است به کارگردانی هاشم مسعودی، جوان مشهدی، که روایتگر جهاد قشر خاصی از مردم در دوران دفاع مقدس است که شاید از رشادت های آنان کمتر سخن به میان آمده باشد.

در واقع این که به فرمان امام جامعه روزانه بیش از ۸۰۰ کامیون مسیری ۱۸۰۰ کیلومتری را می پیمایند، بیشتر به معجزه شبیه هست!

انتخاب چنین سوژه ای با هوشمندی بالا صورت گرفته است. بکر بودن موضوع، از همان ابتدا، مخاطب را به تماشای آن ترغیب می کند و نشان می دهد که گنجینه های دوران انقلاب و دفاع مقدس و دلوری های مردمان و اقشار مختلف هنوز برای بسیاری از ما ناشناخته مانده است و آن طور که باید به سراغ این دریای عظیم نرفته و آن را برای نسل سوم و چهارم و پنجم انقلاب روایت نکرده ایم.

کارگردان این مستند در همایش بزرگداشت کامیون داران جهادی با عنوان «جهاد در مدار جاده» با رونمایی از مستند خود که ضمن تقدیر از رانندگان حاضر در حماسه ۲۶ آذر ۶۲ با حضور خانواده های شهدای راننده مشهدی، در فرهنگ سرای غدیر برگزار شده بود، با اشاره به همین نکته، گفته بود: کشور ما هرچه دارد از وجود این افراد بی غل و غش جامعه است که اگر چه خیلی دیده نمی شوند اما نقش انکار ناشدنی آن ها در اقتصاد کشور را نمی توان نادیده گرفت.

ما هیچ کاری در قبال این افراد و انسان های بزرگ نکرده ایم جز بازگو کردن آن حماسه هایی که این اشخاص آفریدند و این که بار انقلاب بر دوش آنها بوده است.

هرچند این مستند از تصاویر آرشیوی به تناسب موقعیت و به خوبی بهره برده اما بهتر بود از ظرفیت

نقل، روز ۲۶ آذر ماه از سوی شورای فرهنگ عمومی، به عنوان روز حمل و نقل شناخته شد. روز حمل و نقل، روز قدردانی از خدمات ارزشمند رانندگان و سایر دست اندرکاران و شاغلان بخش حمل و نقل کشور و فرصتی مناسب برای بازنگری نیازها و مشکلات این بخش است چرا که در دوران جنگ تحمیلی همین رانندگان وظیفه مهم و سنگینی بر عهده داشتند، یعنی رساندن مهمات و امکانات به سنگرها و تیپ ها و خط مقدم که در حقیقت خودش جهاد بزرگی بود. رانندگی شغل سختی است؛ رانندگان در جاده های دور و نزدیک و در گرما و سرما امانت دار مال و جان مردم هستند که باید از آسایش خود بگذرند تا بتوانند وظیفه خود را به درستی انجام دهند. در این راه خانواده رانندگان نیز که مشکلات دوری از همسر را تحمل می کنند، در اجرایی جهاد و کار خیر شریکند؛ مستند فوق دو مفهوم «ولایت مداری» و «جهاد» را به زیبایی هرچه تمام به تصویر می کشد و به مخاطب این پیام را میسراند که هرکجا و در هر کسوت و مقامی باشی، میتوانی در راه حق و آرمان هایت، به امر ولی خود جهاد کنی.

تبلور اقتصاد مقاومتی از بطن مردم، همدلی و همراهی، وحدت کلمه و در واقع نمایش شاخص های انقلاب، در این مستند ستودنی است. آن هنگام که به دستور ولی امر جامعه، برای رفع مشکلی داخلی، تمامی احاد و اقشار هم پیمان میشوند. آن هم برای لبیک به دستوری که اجرای آن چندان آسان نیست!

«جهاد در مدار جاده»، نمایانگر حماسه ای کامیون داران این مرز و بوم در روز ۲۶ آذرماه سال ۶۲ است. در جهان امروز، بخش حمل و نقل از جمله بخش های زیربنایی اقتصاد هر جامعه است که علاوه بر تحت تأثیر قراردادن فرآیند توسعه اقتصادی، خود نیز در جریان توسعه دچار تغییر و تحول می شود. بخش حمل و نقل، با ایفای نقش رابط میان تولید و بازار مصرف، به مثابه پایه های پلی است که بخش های مختلف جوامع با عبور از روی آن، به سمت توسعه پایدار حرکت می کنند. صنعت نوپای حمل و نقل در جمهوری اسلامی ایران، دورانی پرفراز و نشیب را پشت سر گذاشته که ویژگی اصلی آن تلاش برای دستیابی به جایگاهی والاتر و فردایی بهتر است. در تاریخ تحولات این صنعت در کشورمان، روزها و ایام سرنوشت سازی بوده اند که نقش تعیین کننده ای در شکل گیری و انسجام شبکه حمل و نقل کشور داشته اند ۲۶ آذر سال ۱۳۶۲ یادآور چنین ایامی است که در آن حضرت امام خمینی (ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، طی فرمانی، اعزام کامیون ها به بنادر جنوب جهت تخلیه کالاهای و مایحتاج مردم را خواستار شد. در پی این فرمان کامیون داران سراسر کشور، آمادگی خود جهت اعزام به بنادر و حمل کالاهای ضروری و مورد نیاز مردم را اعلام کردند.

۱۴ سال پس از صدور فرمان امام راحل (ره)، در سال ۱۳۷۶ به پیشنهاد وزارت راه و ترابری و برای آگاه سازی هرچه بیشتر جامعه با نقش و جایگاه بخش حمل و

«جهاد در مدار جاده»؛ کلیدی که این روزها کمتر کسی از آن استفاده می‌کند

هاشم مسعودی، ۱۰ سالی است که با دستگیری کارهای سینمایی و تله فیلم به عرصه هنر ورود کرده است و امسال با اثر «جهاد در مدار جاده» میهمان هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار است.

ورود به فضای کامیون داران

فضای سخت و شیرینی است؛ رانندگان کامیون به دلیل این که در جاده ها تنها هستند، معمولاً با سختی به سخن می‌آیند و این مسئله کار را قدری دشوار کرده بود؛ چرا که ما مجبور بودیم برای رسیدن به قصه‌ی مدنظر با تعداد زیادی مصاحبه کنیم.

کاردیگر

فیلم کوتاه داستانی عروسک اثری دیگر است که به جشنواره فرستاده ام. در جغرافیای سوریه می‌گذرد و پیرامون خانه‌ای است که چند تن از رزمندگان مدافعان حرم وارد آن شده‌اند.

جشنواره عمار

جشنواره عمار رشد کمی و کیفی خوبی از دوره نخست تا به امروز داشته و خوشبختانه این پیشرفت‌ها بسیار چشمگیر و اثرگذار بوده و مرهون ایده‌های جذاب، نو و بدیعی است که به جشنواره تزریق می‌شود و نمونه آن را در برگزاری افتتاحیه و اختتامیه خاص جشنواره می‌توان مشاهده کرد.

حمایت از فیلمسازان برگزیده جهت تولید آثار بعدی‌شان خیلی مهم است و این اقدام می‌تواند گامی مؤثر در ارتقاء رشد کیفی آثار جشنواره عمار ایفا کند.

هاشم مسعودی گفت: مستند «جهاد در مدار جاده» به سفارش خانه فیلم شهرداری مشهد ساخته شده است. آذرماه سال ۶۲، مشکلات اقتصادی کشور موجب شده بود تعداد زیادی از کشتی‌های باری، در خلیج فارس، معطل تخلیه بمانند و این مسئله بحرانی شده بود، که امام خمینی (ره)، ۲۶ آذر ضمن یک سخنرانی فرمودند اگر از هر شهر ۴ کامیون برای تخلیه بارها اقدام کند مشکل حل می‌شود.

داستان کامیون داران

از سراسر کشور کامیون دارانی به فرمان امام خمینی (ره) لبیک می‌گویند و از مشهد ۸۰۰ کامیون به صورت داوطلبانه این کار را انجام می‌دهند و این مستند درباره جهاد رانندگان کامیون، برای تخلیه بار کشتی‌ها و توزیع گندم‌ها در کشور است و مصاحبه‌های جذابی با بازماندگان آن حماسه در شهر مشهد انجام شده است.

۲ ماه تحقیق

تحقیق کار و انتخاب کامیون داران حدود ۲ ماه طول کشید تا این مستند، به خوبی، استراتژی امام خمینی (ره) در به‌کارگیری نیروهای داوطلب برای حل مسائل کشور را نشان دهد، کلیدی که این روزها کمتر کسی از آن استفاده می‌کند.



۵

گفت و گو



های بیشتری در آن استفاده و از این کلیشه پرهیز می‌شد و همچنین برای ایده اولیه و سوژه‌ی پرکاربردان، از گفتگو محوری فاصله گرفته می‌شد. جای خالی بازسازی برخی صحنه‌ها نیز درمستند دیده می‌شود. همین طور اندک ضعف‌هایی در تصویربرداری، قاب بندی‌ها و عدم توجه کافی به عناصر پس زمینه، جای خالی موسیقی متن حماسی در طول مستند قابل مشاهده است.

تدوین مستند با ریتم تند انجام گرفته که در انتقال اطلاعات به مخاطب، او را از متن مستند و کاراکترهای آن جدا کرده و اجازه تفکر عمیق‌تر و حس همزاد پنداری بیشتر را به او نمی‌دهد؛ اما محتوای قابل قبول آن همچون انتخاب درست سوژه‌ها و خاطرات، مانند صحبت‌های دل‌نشین راننده کامیونی که می‌گوید: «هرجا کار کنی رزمنده ای!» درد و دل‌های صمیمانه رانندگان، بغض‌های پدر شهید هنگام صحبت از پسر که پشت لبخندی کم‌رنگ پنهان می‌شود، بیان خاطراتی از آن روزها با چاشنی لطیفه و گاه تلخند (اشاره به خاطره‌ی دزدی از راننده‌ها)، و سخن از رزم این قشر بی‌ادعای دور از ریا، از موارد دوست‌داشتنی و شیرینی‌های به تصویر کشیده شده این مستند و از نقاط عطف آن می‌باشد که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی نمود. ویژگی دیگر این مستند، حسن ختامی خوب و پایانی مناسب است که با بیان حماسی مصطفی فارویی فیروزی، مدیر فرهنگسرای غدیر مشهد و موسیقی در هم می‌آمیزد.

سهل و ممتنع در «مردی که خودش را کشت»

حسام آبنوس

که «هر گام شتر حسین (ع) دل های سربازان لشگر را متزلزل می‌کند»، این تشویش بیشتر آشکار می‌شود که آنها خود بر حقانیت حسین بن علی (ع) آگاه هستند و فقط برای کسب مقام دنیا و یا از ترس امرای بنی امیه دست به چنین گناه بزرگی آلوده‌اند.

عمر بن سعد حتی روایتی که پدرش «سعد بن ابی وقاص» از زبان مبارک امیرالمومنین (ع) شنیده را نیز به یاد می‌آورد و همین سبب افزایش شک و تردیدش برای این کار می‌شود ولی هر بار که شک در او ریشه می‌کند صدای قاصدی از جانب عبیدالله بن زیاد او را به خود می‌آورد که زمان زیادی برای تصمیم‌گیری ندارد. نکته‌ای که باید در مورد این اثر عنوان شود این است که علاوه بر سختی‌های فنی در مسیر تولید آن باید عقبه مطالعاتی و تحقیقاتی کار را نیز در نظر گرفت. زیرا در این اثر ما در برابر یکی از عبرت‌های تاریخی قرار داریم و تولید کنندگان باید علاوه بر ارائه فنی مناسب، از نظر محتوا نیز بیننده را نه تنها سر در گم نکنند بلکه بتوانند تلنگری تاریخی به او بزنند. که در این زمینه نیز موفق بوده و توانسته‌اند عبرتی از عبرت‌های عاشورا را به تصویر بکشند.

شاید در نگاه اول اینطور به نظر بیاید انیمیشن پانزده دقیقه‌ای ساختن که کار بزرگی نیست ولی اگر تنها اندکی با روند ساخت پویانمایی آن هم در شرایط فعلی کشور آشنا باشیم، هرگز چنین تصویری نخواهیم داشت. از این رو ساخت پویانمایی تاریخی که از نظر منابع نیز باید برای آن زحمت بسیار کشیده شود کاری بسیار ارزشمند است.

در مجموع پویانمایی «مردی که خودش را کشت» را باید اثری موفق خطاب کرد که گروه جوان خلق کننده آن توانسته‌اند از پس تولید آن بر بیایند.

باید زمینه تولید و پخش چنین آثار فاخر و ارزشمندی بیش از این فراهم شود تا نسل کودک و نوجوان از آن‌ها بهره‌مند شوند. انیمیشن «مردی که خودش را کشت»، اثری است که از نظر فرم و محتوا و همچنین مسائل تکنیکی یک اثر موفق و رو به جلو است که می‌تواند نظر مساعد بیننده را نیز به خود جلب نماید.

«دیو»ی که از کودکی به صورت یک مارمولک کنار عمر بن سعد حضور دارد و بزرگترین صحنه حضور این دیو ظهر عاشورا در صحرای کربلا است که سر برآورده و او را به قتل اباعبدالله الحسین (ع) ترغیب و تشویق می‌کند و زمانی که عمر بن سعد یادآوری می‌کند که امام حسین (ع) به او فرموده بود که تو از گندم ری نیز خواهی خورد، نماد نفس اماره او می‌گوید اگر «گندم» آنجا را نخوری لااقل «جو» ری را خواهی خورد. از این رو تصویری که سازندگان «مردی که خودش را کشت» به تماشاچی نشان می‌دهند حکایت از این دارد که با نمادها و نشانه‌ها در عالم تصویر به خوبی آشنا هستند و توانسته‌اند آن را به بیننده خود نیز منتقل کنند.

فضاسازی دیگر مولفه‌ای است که باید در ارتباط با آن سخن گفت. تیم تولید موقعیت مکانی و زمانی

تیم تولید این انیمیشن به خوبی با استفاده از نمادهایی مثل «دیو» برای نفس اماره شخصیت عمر بن سعد، بیننده را وارد فضای حدیث نفس این کاراکتر می‌کنند

را در اثرشان لحاظ کرده‌اند و زمانی که دوربین در سپاه یزید قرار دارد حالتی از خاکستری بودن نیز در تصویر دیده می‌شود که این نشان دهنده تیرگی روزگار سپاه اشقیاء دارد. موسیقی نیز به کمک «مردی که خودش را کشت» آمده و بیننده را با خود همراه کرده است. به خصوص وقتی سیدالشهدا (ع) سوار بر شتر وارد میدان می‌شوند هر گامی که شتر برمی‌دارد موسیقی نیز نواخته می‌شود که این حاکی از تشویش درونی سپاه عمر بن سعد دارد. به خصوص وقتی که با دیالوگی از زبان یکی از فرماندهان لشگر کفر با این مضمون همراه می‌شود

تولید و عرضه آثار دینی متناسب با نیازهای جامعه و مخاطبان یکی از اقداماتی است که در سال‌های اخیر بیشتر جدی گرفته شده و تولید کنندگان جوان و خلاق پا در این عرصه گذاشته و آثاری نیز تولید کرده‌اند. یکی از اقداماتی که توسط گروهی جوان صورت گرفته، تهیه و تولید پویانمایی «مردی که خودش را کشت» است.

اثری که در آن به شخصیت عمر بن سعد فرمانده سپاه یزید بن معاویه در واقعه عاشورا پرداخته است. دستور قتل امام حسین (ع) از سوی عبیدالله بن زیاد به عمر بن سعد ابلاغ می‌شود. او که بر سر دوراهی دین و دنیا مانده، در تلاش است یک راه را انتخاب کند. شاید این خط داستان انیمیشن ۱۵ دقیقه‌ای «مردی که خودش را کشت» باشد اما آنقدر این کار اثرگذار و موفق است که زمان آن به چشم نمی‌آید و به عبارتی تولید کنندگان آن توانسته‌اند مخاطب را تحت تاثیر اثر خود قرار داده و به نتیجه‌ای که مورد نظرشان است برسند.

پویانمایی «مردی که خودش را کشت» به کارگردانی و نویسندگی هادی محمدیان و تهیه‌کنندگی محمدامین همدانی تولید شده و پیش از این توانسته در جشنواره‌های دیگری نیز موفقیت‌هایی کسب کند. شخصیت‌پردازی‌های این اثر بسیار موفق است و شاید بتوان گفت در قیاس با دیگر آثار پویانمایی که در ایران تولید می‌شود یک سر و گردن بالاتر قرار می‌گیرد. علاوه بر این طراحی شخصیت‌ها فوق‌العاده بوده و بیننده را به خود جذب می‌کند. همچنین انیمیت کردن آنها نیز بسیار باورپذیر است و لب‌زدن‌های شخصیت‌ها بسیار به واقعیت نزدیک است و کلماتی که ادا می‌شود روی حرکات لب شخصیت‌ها ادا می‌شود.

از منظر فضاسازی و استفاده از نمادها نیز این پویانمایی توانسته نمره موفقیت کسب کند. زیرا تیم تولید این انیمیشن به خوبی با استفاده از نمادهایی مثل «دیو» برای نفس اماره شخصیت عمر بن سعد، بیننده را وارد فضای حدیث نفس این کاراکتر می‌کنند و در این مسیر موفق نیز هستند.

هادی محمدیان:

مردی که خودش را کشت؛ نمایش وجدان شخصیت در فضایی سورئال

فیلمساز نقاط ضعف و قوت اثر را به کارگردان گوشزد می‌کند و این ویژگی منحصر به فرد عمار از دیگر جشنواره هاست.

پشنهادی برای جشنواره

عمار باید برای همه بماند و با موضع گیری های خود سبب نشود که دایره مخاطبان آن به قشر و گروهی خاص محدود شود و کاری نکند که جامعه عمار کوچک شود و راهی پیدا کند که سلیق بتوانند در عمار حضور یابند و هر کس که حرفی برای کشورش دارد بتواند در عمار آن را بیان کند.

توصیه به تازه واردها

معضل موجود در انیمیشن ایران که سبب کند شدن روند پیشرفت آن شده، این است که فعالان این حوزه به دنبال رسیدن سریع به نتیجه هستند، در حالی که پیشرفت در انیمیشن نیازمند زمان گذاری بسیار در بعد آموزشی، تئوریک و عملی در کنار تلاش فراوان است.

با توجه به در دسترس بودن ابزار انیمیشن و آسان شدن فضای ورود به این عرصه علاقه مندان باید قدم به قدم مسیر آشنایی با این هنر که ابتدا آموزش هنرهای تجسمی، طراحی، پیشرفت بصری و مطالعه و آموزش در حوزه سینما و ادبیات را فرا گیرند.

بنده خودم به عنوان داور در جشنواره بوده ام و استعداد های بسیاری دیده ام که پتانسیل خلق آثار خوب را دارند که به دلیل رفتن به مسیرهای اشتباه به بیراهه رفته اند.

مخاطب انیمیشن

مخاطب اصلی این اثر جوانان و نوجوانان و حتی قشر بزرگسال هستند و اگر زمان به عقب بازگردد و بخواهیم اثری با موضوع عاشورا تولید کنیم، فضای کار را تغییر داده و مخاطبان را کودک و نوجوان قرار می دهیم.

جنس تجربه ای که در اثر «مردی که خودش را کشت» دنبال کردیم متفاوت با کارهای گذشته بود و می خواستیم از فضای فانتزی فاصله بگیریم و به دنبال خلق اثری فاخر در فضای رئال بودیم و از آن جایی که مراحل فنی کار سنگین بود، سبب ارتقاء کیفی کار بچه های گروه شد و یکی از دلایل کیفیت بالای شاهزاده روم انجام این کار پیش از آن بود. ما در قصه این کار قرار بود، وجدان شخصیت اصلی قصه را از طریق داستان به مخاطب نشان دهیم و پیاده سازی این فضای سورئال در قالب انیمیشن کار را دشوار کرده بود.

اهمیت جشنواره عمار

در رابطه با عمار صحبت های بسیاری شده و سابقه این جشنواره نشان دهنده کیفیت بالای آن است و بزرگترین جایزه ای که این جشنواره به فیلمسازان می دهد، دیده شدن اثرشان در نقاط مختلف کشور است و این دیده شدن برای فیلمسازان معماری بسیار مهم است.

فیلم ها وقتی به شهرها و روستاهای مختلف می روند، ارتباط درستی میان مخاطب و اثر شکل می گیرد و بازخوردهایی که از سوی مخاطب به کارگردان داده می شود افزون بر ارتقاء روحیه

هادی محمدیان، کارگردان و نویسنده خوش ذوق و خلاق انیمیشن سینمای ایران است که تا به حال آثاری جذاب را برای کودکان و نوجوانان تولید کرده است.

محمدیان، کار خود «دره زنجفیل» آغاز کرد و سپس با انیمیشن «پرواز تا بی نهایت» توانست فانوس بلورین پنجمین دوره جشنواره عمار را به خود اختصاص دهد.

او که سال گذشته با ساخت انیمیشن سینمایی «شاهزاده روم» در بخش خارج از مسابقه سی و سومین جشنواره فیلم فجر جایزه ویژه دبیر جشنواره را کسب کرد، توانست فروش قابل توجهی برای سینمای ایران به ارمغان آورد و امسال با اثر «مردی که خودش را کشت» به هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار آمده است.

ایده انیمیشن مردی که خودش را کشت

انیمیشن مردی که خودش را کشت، در ابتدا قرار بود یک قسمت از سریالی اپیزودیک در رابطه با افراد حاضر در واقعه کربلا باشد که برای نخستین قسمت یکی از تأثیر گذارترین افراد در واقعه کربلا یعنی عمر بن سعد انتخاب شد که به بخشی از تخیلات و طراوشات ذهنی او پرداختیم.

فضای این انیمیشن با قصه ای سورئال و در فضایی ذهنی روایت می شود، و ما به دنبال این بودیم که به واقعه کربلا از نگاهی متفاوت بنگریم و بحمدالله نتیجه این کار سنگین که مرحله تولید آن نیز حدود ۱ سال به طول انجامید، خلق اثری خوب و درخور توجه شد.





بسط معنای مردم در جشنواره عمار با درکی کلان شهری از فتنه ۸۸

میثم مهدیار

دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی/دانشگاه علامه طباطبایی

چهار سال پیش از این در یادداشتی با عنوان «جشنواره عمار و مردمی شدن سینما» نوشته بودم که فتنه ۸۸ را نباید صرفاً به صورت سیاسی اش فروکاهید بلکه در آیین آن باید منازعات فرهنگی و ایدئولوژیک ناشی از ضعف حاکمیت در «اجتماعی کردن» ارزشها و آرمان هایش در اتباع ملی اش دید. این بار اما میخواهم از این منظر هم گذر کرده و تاکید کنم که فتنه ۸۸ را نباید صرفاً در حوزه آگاهی‌های سیاسی یا فرهنگی و ایدئولوژیک خلاصه کرد. این بار می‌خواهم نقش بنیادین ساختارهای اجتماعی از جمله شهر را در تولید مجادلات سیاسی، اخلاقی و فرهنگی پررنگ کنم. این بار می‌خواهم از منظر تأثیرات ساختار و فضای کلانشهرهای مدرن همچون تهران در ناخودآگاه شهروندان، به فتنه ۸۸ نگاه کنم.

انسان کلانشهری

مقاله «کلانشهر و حیات ذهنی» جورج زیمل (۱۹۰۳) یکی از مهمترین متونی است که می‌تواند بصیرت‌های مهمی درباره فضا، اقتصاد سیاسی، ساختارها و اقتضائات موثر بر روانشناسی اجتماعی انسان کلانشهری به ما بدهد. زیمل در این مقاله که شاید بتوان آن را اولین و مهمترین اثر در شکل‌گیری حوزه جامعه‌شناسی شهر دانست به ما نشان می‌دهد که کلانشهر مدرن در پیوند با اقتصاد پولی کمی‌گرا چگونه باعث رشد عقلانیت ابزاری و کمی‌گرا می‌شود. عقلانیتی که در آن فرد کلانشهری به علت مواجهه بی‌امان با یورش تصاویر و سرعت تغییرات و تحولات بسیار دیگر نمی‌تواند ارتباطاتی عمیق و پایدار برقرار سازد و در نتیجه ارتباطات سطحی و لحظه‌ای زندگی کلانشهری باعث نوعی «دلزدگی» می‌شود. دلزدگی که در نهایت کناره‌گیری و احتیاط از دیگران را موجب می‌شود و انسان کلانشهری، فردیت اصیل خود را که در روابط گرم و شخصی امکان‌ظهو و بروز می‌یابد سرکوب می‌کند. در عوض این احتیاط و کناره‌گیری، نوع جدیدی از فردیت رشد و بروز می‌یابد. فردیتی ناشی از آزادی عمل حاصل آمده از بیگانگی افراد با جمعیت کثیری که هر روزه با آن‌ها در ارتباط است. فردیتی ناشی از گم شدن در شهر.

همانطور که دیوید هاروی هم نشان می‌دهد کلانشهرها نه بر مبنای برنامه ریزی شهری بلکه به اقتضائات ایجاد ارزش افزوده و انباشت سرمایه رشد و توسعه می‌یابند. از این رو کلانشهر "باید به گونه‌ای ساخته شود که سلطه سرمایه‌تأمین شود. یعنی این امر که مردم به چه سهولتی بتوانند یا نتوانند با هم

ارتباط پیدا کنند، این امر که امکان گسترش حرکات مردمی چگونه باشد، تبدیل می‌شود به یک امر مهم و مرکزی و ابزار موثر سیاسی در دست حاکمیت سرمایه داری."

این سطره سرمایه، "حق مردم به شهر" در تنظیم دل‌خواهانه روابط اجتماعی شان را به رسمیت نمی‌شناسد. ابتدا بازارهای سنتی تخریب و برچها و سازه‌های جدید سربری می‌آورند. وقتی قیمت زمین‌های اطراف این برج‌ها افزایش یافت ابتدا زمین‌ها خریداری می‌شوند و ساکنان قدیمی به مناطق حاشیه‌ای ترانده می‌شوند و سپس نوبت به تغییر بولدوژی بافت محلات قدیمی می‌شود. حافظه جمعی و هویت محلی نادیده انگاشته می‌شوند، بافت جمعیتی محل و شبکه روابط اجتماعی محل نیز تحول می‌یابد و ساکنان جدید که احساس تعلق خویشاوندی یا همسایگی یا حتی مکانی به سرپناه جدید خود ندارد در شهر گم می‌شوند.

این تغییر و تحولات سازه‌ها اگرچه در برابر یورش بولدوژرها و جزئی‌ها نمی‌توانند مقاومت کنند اما ماجرای گروه‌های انسانی متفاوت است. همانطور که موریس هالیواکس هم اشاره کرده اگر میان خانه‌ها، کوچه‌ها و گروه‌های ساکنانش فقط رابطه‌ای تصادفی، و کوتاه مدت برقرار می‌بود، انسان‌ها می‌توانستند خانه‌ها، محله‌ها و شهرشان را تخریب کنند

بازنمایی «فتنه‌گران» در جشنواره عمار اغلب به صورت عاملیت‌های آگاه و مختار و مجرمی صورت گرفته که باید با روش‌های امنیتی یا ذهنی در مقابل آنها واکنش نشان داد

و در همان مکان خانه، محله و شهر دیگری طبق نقشه‌ای متفاوت بسازند؛ اما اگر سنگ‌ها را می‌توان به جایی دیگر برد، به همان آسانی نمی‌توان رابطه‌ای که میان سنگ‌ها و انسان‌ها برقرار شده است تغییر داد. وقتی که یک گروه انسانی در محلی زندگی می‌کند که با عادت‌های سازگار است نه فقط رفتار بیرونی اش بلکه تفکراتش نیز بر پایه توالی تصویرهای مادی که اشیای خارجی در معرض دیدش قرار می‌دهند، انتظام می‌یابد. حالا شمالین خانه‌ها، این

کوچه‌ها، این معابر را تخریب کنید. جهت‌شان را، شکل‌شان را تغییر دهید، یا فقط جایی را که نسبت به یکدیگر اشغال کرده‌اند عوض کنید. سنگ‌ها و مصالح در برابر شما مقاومت نخواهند کرد. اما گروه‌های انسانی مقاومت خواهند کرد و شما از گذران‌ها با مقاومت سنگ‌ها، دست‌کم با چیدمان قدیمی‌شان روبرو خواهید شد.

به عبارت دیگر ما گذشته‌مان را با کمک آن چه محیط ما را تشکیل می‌دهد به یاد می‌آوریم. حافظه فردی به یک اجتماع عاطفی بستگی دارد. فراموشی بیش از آن که نتیجه پدیده فرسودگی فرد باشد، نتیجه بریدگی از گروهی است که به آن تعلق داشته است. بازسازی گذشته به تحکیم هویت گروه کمک می‌کند اما یورش‌های توسعه شهری به شهر به جغرافیای حافظه جمعی بی‌توجه است. این بی‌توجهی به روان و هویت تاریخی و محلی انسان کلانشهری و توسعه مکانیکی شهر، اساساً او را از خودبیگانه می‌کند. از خود بیگانه‌گی که امکان کنش صحیح و پایدار را از او سلب می‌کند و از این جهت خشونت می‌آفریند.

توپولوژی شهر آنقدر مهم است که به قول اشتراوس یکی از مهمترین روش‌های میسیونرها برای مسیحی کردن بومیان آمازون، کوچاندن آن‌ها از دهکده‌شان به دهکده‌ای دیگر است که آن‌جا خانه‌ها کنار هم در ردیف‌های موازی ساخته شده‌اند. بومیانی که موقعیت‌شان نسبت به چهار جهت اصلی به هم ریخته است به سرعت معنای سنت‌ها را فراموش می‌کنند. گویا نظام‌های اجتماعی و دینی‌شان که البته از هم تفکیک‌ناپذیرند پیچیده‌تر از آن بود که از طرحی که نقشه دهکده آن‌ها را نمایان می‌کرد چشم‌پوشند و ژست‌های روزانه‌شان دایماً محیط دهکده را تازه می‌کرد. اشتراوس می‌گوید اکنون می‌فهمیم چرا در مخالفت با آرایش سنتی دهکده‌ها، میسیونرها همه چیز را ویران می‌کنند.

کلانشهر و فتنه

تبعات ترکیب این مقاومت روانی با دلزدگی را اگرچه روزانه در منازعات خیابانی و محلی و همسایگی و نیز در افسردگی شهرنشینان می‌بینیم ولی به صورت اساسی تراژم آرام در نهاد انسان کلانشهری فسیل و ته‌نشین می‌شود. این ته‌نشست‌های فسیل‌شده در بحران‌های اجتماعی‌ای که فضای دوقطبی، غلظت هیجانات را به اوج خود می‌رساند همچون نفت منتظر

عمار و روایت مقاومت

حجت الاسلام مجتبی نامخواه



۹

یادداشت

فراموش نکرده‌ایم که کسانی می‌توانند به دلیل اختلاف نظرهای سیاسی، درست در پشت جبهه‌ی مدافعان و رزمندگان خودی فعال شده و علیه‌شان بیانیه بدهند! این تعجب‌البته کمتر شد، هنگامی که در روزهای پایانی جنگ، چپ‌های آمریکایی و شرق‌زدگان ایرانی، مرزهای جدیدی برای حیرت‌ما تعریف کردند: هنگامی که با حمایت حزب بعث عراق برای آزادسازی ایران به وطن خود حمله کردند! با بررسی این سابقه‌ها، موضع غرب‌گرایان وطنی در مورد آزادسازی حلب نه فقط عجیب نبود، بلکه خیلی هم مفید بود! غرب‌گرایان وطنی با فریاد یا سکوت‌شان و با ترجمان مواضع رسانه‌های هژمونی جهانی به ما یادآوری کردند که جبهه‌ی جدیدی فراروی مقاومت گشوده شده: جبهه روایت مقاومت.

یکی از متفکران پست‌مدرن در مقاله‌ای پیرامون جنگ خلیج فارس نوشته بود: «جنگ خلیج فارس رخ نداد». او این جنگ و واقعیت‌های دنیای مدرن را ساخته و پرداخته‌ی رسانه‌ها می‌دانست و این مسئله را در مفهوم ابرواقعیت یا واقعیت حاد (hyper-reality) توضیح داده بود. شاید همدلی با این تحلیل دشوار باشد اما به سادگی می‌توانیم این تحلیل را به مثابه استعاره‌ای درک کنیم بر اهمیت روایت. از جنگ خلیج فارس و زمان ارائه این تحلیل، حدود دو و نیم دهه می‌گذرد. در تمام این مدت این واقعیت حادث‌تر از قبل شده است. «روایت» جنگ از اصل آن اگر مهم‌تر نباشد، کم اهمیت‌تر نیست. با این حال در جبهه‌ی روایت مقاومت، تجددمآبان تنها یکی از خطوط پیش روی جبهه مقاومت را شکل می‌دهند. تخرمآبی و تقلیل آرمان جبهه جهانی مقاومت به منازعات مذهبی سوریه دیگر ماجراست. جبهه‌ی روایت مقاومت، واقعیت دارد و جنگ جاری در آن بسیار حاد است. بر این اساس موضع جشنواره عمار در تأکید بر «روایت مقاومت» هوشمندانه است و قابل تأمل.

شهدای جبهه جهانی مقاومت در سوریه و عراق، یکی از مضامین محوری هفتمین دوره جشنواره عمار است. یکی از بخش‌های مسابقه به آن اختصاص یافته و حجم قابل توجهی از نشانه‌ها و برنامه‌های جانبی به همراه اصلی‌ترین مضمون پوستر جشنواره، در این باره است. در طول یکی دو سال اخیر برنامه‌های تلویزیونی و مستندهای متعددی حول این موضوع ساخته شده و همه‌ی این‌ها نشان می‌دهد که جبهه مقاومت به مرحله «روایت» رسیده است.

همین دو-سه سال پیش، در حالی که مدت‌ها از درگیری‌های تن به تن سربازان انقلاب اسلامی در سوریه و عراق گذشته بود، روایت مقاومت که نه، حتی نام بردن و یادکردن از این شهدا، منطقه‌ای ممنوعه بود. شاید بتوانیم محدودیت‌های این دوره را درک کنیم اما همواره این پرسش برای مان باقی خواهد بود که کدامین «مصلحت» موجب می‌شد حتی روی مزار برخی از این شهیدان، هیچ اشارتی به محل شهادت نباشد و به عبارت کلی جبهه‌های جنگ حق علیه باطل «اکتفا» شود؟ کمی زمان برد تا از تفوق امنیت بر مقاومت کاسته شود و روایت مقاومت آزاد گردد.

در سوی دیگر اما مخالفان جبهه مقاومت، روایت و رسانه برای‌شان جدی بود و هست. سطح این جدیت هنگامی بهتر درک شد که عملیات رسانه‌ای آن‌ها عیله آزادسازی حلب را دیدیم. دیدیم که چگونه به اسم صلح‌خواهی، برای خارج شدن شهری از دست تروریست‌های تکفیری مویه می‌کنند! ماجرای حلب این‌خس را داشت که نشان بدهد همه‌ی آن نامه‌های سرگشاده و بحث‌های «استراتژیک» کسانی در لویای نقد مقاومت، از کجا ریشه می‌گیرد و به کجا ختم می‌شود.

موضع غرب‌گرایان ایرانی در جبهه‌ی امروز البته به مراتب قابل قبول‌تر از جایگاه اسلاف‌شان در دفاع مقدس دیروز است. هنوز از یاد نبرده‌ایم بیانیه دادن غرب‌گرایان وطنی را علیه جنگ تحمیلی! هنوز



یک جرقه است. در این فضای بحرانی دیگر فرد به صورت آگاهانه تصمیم نمی‌گیرد، بل در اینجا بجای محاسبه عقلانی این ته نشست‌ها هستند که بر عقلانیت فرد مسلط می‌شوند و به او جهت می‌دهند و او را به وسط معرکه می‌کشاند. اینجا است که دیگر تحلیل‌های عاملیت‌گرایانه و اراده‌گرایانه سیاسی و فرهنگی و ایدئولوژیکی برای تبیین اینکه چرا حتی افرادی که از آنها انتظار نمی‌رود با موج برنامه ریزی شده فتنه همراه می‌شوند مکفی نیست. تبیین‌های صورت گرفته از فتنه اغلب به توجه به بعد آگاهی و ذهنی مشارکت‌کنندگان تقلیل یافته و از همین رو واکنش‌ها و برنامه ریزی‌های صورت گرفته برای مقابله با آن نیز اغلب به همین بعد مخاطبان توجه داشته‌اند. سهم زیاد فعالیت رسانه‌ای و تبلیغاتی و بروز نوعی ذهن‌گرایی مفرط در این فعالیت رسانه‌ای در آنچه به «جنگ نرم» مشهور شده است را می‌توان در همین چهارچوب تحلیل کرد.

جشنواره عمار اگر چه همیشه و به درستی صفت مردمی را همراه خود داشته اما در چنان بستر ذهن‌گرایانه‌ای شکل گرفته و تداوم یافته است. بازنمایی «فتنه‌گران» در جشنواره عمار نیز اغلب به صورت عاملیت‌های آگاه و مختار و مجرمی صورت گرفته که باید و می‌توان با روش‌های امنیتی یا ذهنی در مقابل آنها واکنش نشان داد و نه عاملیت‌های ناخودآگاهی که تحت تاثیر ساختارهای کلان از جمله اقتصاد سیاسی، بحران محیط زیست، زیست‌کلانشهری و... مجبور به کنش شده‌اند.

فراموش نکنیم که فتنه ۸۸ صورتی کلانشهری داشت و البته اغلب در تهران و به صورت خیلی محدود تری در چند کلانشهر دیگر ظهور و بروز داشت. بررسی بیشتر نحوه تکوین کلانشهرهای ایرانی، توزیع جمعیتی و توپولوژی و فضای شهری، مساله حاشیه‌نشینی، تخریب و بازسازی بافت‌های فرسوده، اقتصاد سیاسی کلانشهرها، مساله هویت تاریخی و اجتماعی محله‌ها، مساله برنامه‌های مدیریت و توسعه شهری و نقش آن در تغییر بافتهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی شهرها از جمله مواردی هستند که باید به نقش آن‌ها در شکل دادن روان فردی و اجتماعی انسان نوعی کلانشهرهای ایرانی توجه کرد.

این توجه ساختاری و اجتماعی عمار به فتنه ۸۸ می‌تواند نقطه عطفی در کارنامه رو به جلوی عمار باشد. «مردم» در این توجه و تأکید معنای جدیدی می‌یابند و جشنواره مردمی فیلم عمار حتما با مسمی‌تر از قبل خواهد بود.





ناصران عمور مستند -

اردستانی از آثارش می‌گوید

دستگیری در سوریه، آغاز تقابل عقل و عشق

یکبار نیز دستگیر شدم و همه این‌ها را به جان خریدم تا رشادات‌های مدافعان حرم به تصویر بکشم.

■ ماجرای فوعه و کفریا

در مسیر ساخت مستند «فوعه و کفریا» به دلیل عدم دسترسی به داخل شهر و محاصره از سوی تکفیری‌ها، ما یک راوی برای کار در نظر گرفتیم و رابطه‌هایی برقرار کردیم تا افرادی از داخل فوعه و کفریا برایمان فیلم بگیرند.

متأسفانه رسانه‌های کشورهای آن‌گونه که باید به شهادهای مدافع حرم و جبهه مقاومت نمی‌پردازند و اگر این پرداخت رسانه‌ای درست صورت می‌گرفت، زمانی که خبر آزادسازی نبل و الزهرا اعلام شد، باید ما در خیابان‌ها، شیرینی‌پخش می‌کردیم، چون به اهمیت این منطقه واقف می‌بودیم؛ ولی همه اول می‌پرسیدند، نبل و الزهرا کجا بود اصلاً؟

در زمان شهید آوینی با آن محدودیت تجهیزات و امکانات هر هفته برنامه روایت فتح پخش می‌شد، و حال با وضعیت امروز و پیشرفت امکانات مقایسه کنید که ما در فضای رسانه‌ای کشور چقدر به صورت جدی و استراتژیک به مقوله مدافعان حرم می‌پردازیم.

■ در جست و جوی ناصران عموراء

ما رفتیم عراق و با چند نفری صحبت کردیم که می‌خواهیم در جبهه‌های عراق دنبال سوژه بگردیم و رفتیم در کربلا، بچه‌های تیپ‌علی اکبر را پیدا کردیم، کسانی که خادم حرم امام حسین (ع) بودند و در هنگام جنگ با داعش به مقابله با نیروی‌های تکفیری می‌پرداختند و البته این افراد در گذشته و در دوران صدام و ورود آمریکایی‌ها به عراق نیز از حرم مطهر دفاع می‌کردند.

■ عدم انسجام میان مستندسازان جبهه انقلاب

متأسفانه هم‌افزایی میان مستندسازان جبهه

ریزی‌های ما جابه‌جا می‌شد که البته این مسئله در مستند بحران امری طبیعی بود.

در سفر دوممان به سوریه حدود یک هفته در خانه ای‌گیر افتادیم و به دلیل شرایط بحرانی، امکان هماهنگی با بیرون را نداشتیم و تمام کارهایمان متوقف شده بود تا این‌که بحمدالله مشکلات حل شد و این مسئله از نمونه مواردی بود که ما اصلاً پیش‌بینی نمی‌کردیم.

■ دوربین مستند ساز انقلابی به سوی مظلومیت

هر جا مظلومیت بیشتر باشد، سوژه مستندساز انقلابی به همان سمت می‌چرخد، اثری که هم‌اکنون در حال کار روی آن هستیم درباره شهید رحیمی است که ۲۰ سال پیش در هند و پاکستان برای مسلمانان این کشور فعالیت می‌کرد.

مظلومیت همواره برای من محور بوده است، مستند «در حصار» را که ساختم از لحاظ فرمی ضعیف‌تر از کارهای قبلی من بود و بازی عقل و دل من آغاز شد که عقل می‌گوید فرم کارت ضعیف شده و ممکن است انتقادات بسیاری را به‌اثر وارد کنند و دل می‌گوید این‌ها مظلوم‌اند و باید کاری برایشان انجام داد.

عقیده من این است که فرم و محتوا در کار داستانی باید هم‌تراز باشند و در مستند، من محتوا را مقدم بر فرم می‌دانم و می‌گویم باید سعی کنیم جایی برویم که دوربین تا به حال کمتر رفته است و در مستند «در حصار» دلیل پرداخت به شیعیان فوعه و کفریا همین بود و مهم برای من رساندن پیام این مظلومیت بود.

جدای از بحث خطرات مستندسازی در جنگ، هیچ گروه مستندسازی همانند ما در ساخت آثارش اذیت نشد، از مراحل پیش‌از ساخت و پس‌از آن تا مراحل پخش. به یاد دارم که دوربین ما را در سوریه گرفتند و

محسن اردستانی را می‌توان مستندساز جسور این روزهای سینمای انقلاب دانست، کسی که می‌گوید از دوران مدرسه علاقه به فیلمسازی را در خود کشف کرده و از سال ۹۰ به همراه دوستانش به تولید آثار داستانی و مستند روی آورده است. اردستانی را که این روزها در خط مقدم جبهه مقاومت باید پیدا کرد، در سال‌های پرتلهاب ۸۸ نیز در عرصه رسانه‌ای خوش‌درخشیده و با فعالیت‌های رسانه‌ای مثل سایت مبارز کلیپ در میدان بوده و این روزها نیز دوربین به دست از جنوب کرمان محرومیت‌ها را روایت می‌کند و از سوئی دیگر به حلب و دمشق می‌رود تا از جنایات تکفیری‌ها و رشادات مدافعان حرم مستند تهیه کند.

اردستانی که یکی از پرکارترین کارگردانان عمارتی است امسال نیز با مستندهای «ناصران عموراء»، «تک‌تیراندازان حضرت زینب (س)» «در حصار» و «نخل‌های بی‌سر» به هفتمین جشنواره مردمی عمار آمده است او همچنین آثار دیگری از جمله «عکسی برای ماندن» را به صورت مشترک با ناصر نادری کارگردانی کرده است.

حاصل‌گفت و گوی ما با او را در زیر می‌خوانید:

■ پیش به سوی جبهه مقاومت

پیش از نخستین سفرم به سوریه چندین بار موقعیتی فراهم شد تا در خارج از ایران در مورد مدافعان حرم مستند تهیه کنم، اما شرایط فراهم نمی‌شد، تا این‌که یک روز ناصر نادری با من تماس گرفت و گفت که حضری برای تولید مستندی درباره تیپ فاطمیون به سوریه برویم و من هم قبول کردم و این شد آغاز حضور ما در سوریه.

در جریان سفرهایمان به خارج از ایران به دفعات پیش می‌آمد، که ما برنامه ریزی‌هایی انجام می‌دادیم، اما زمانی که وارد گود می‌شدیم، تمام برنامه

قلب را درست کن، سوژه می آید

محسن اردستانی

مظلومیت می گویم باید راجع به آن کار کرد تا مردم مطلع شوند. با این قاعده اگر فکر کنیم فتنه ۸۸ مغفول واقع می شود راجع به آن فیلم می سازم. برنامه ریزی خاصی هم برای پیدا کردن سوژه نداریم. اینطور نیست که پیش هرکسی برویم تا به ما سوژه معرفی کنند. سوژه ها به سمت ما می آیند. هر سفری که با آقای نادری می رویم، دنبال سوژه های دیگر می گردیم یا اهالی منطقه، خودشان به ما پیشنهاد سوژه می دهند. مثلاً ابتدا می خواستیم به افغانستان برویم و درباره اقدامات شهید شاطری در آنجا مستند بسازیم. با یکی از بچه های افغانستانی آشنا شدیم و نمی دانستیم که ایشان جز تیپ فاطمیون است. ایشان گفت: راجع به فاطمیون کاری بسازید. ثمره این پیشنهاد، مستند معلم بود. بعد از معلم تک تیراندازان حضرت زینب و نبرد پنهان را در همین زمینه ساختیم. در نمونه دیگری از دوستان، ما را با خانواده شهید رحیمی در هندوستان آشنا کرد. بعد از این کار در هندوستان چند کار دیگر هم ادامه پیدا می کند و بدین صورت به سمت سوژه ها هدایت شدیم.

در مستندسازی بحران در جهان می گویند که اگر در خط مقدم رفتید، دنبال سوژه بگردید و آن را مقابل لنتان بیاورید. آوینی می گوید: نه! قلب را درست کن سوژه می آید مقابلت. این خیلی تفکر متفاوتی است. یعنی تا خدا نخواهد یک ثانیه نمی توانی فیلم بسازی و اگر بسازی نفسانیت خودت را می سازی.

قاعده من در مستند سازی مظلومیت است. اگر ببینم یک گروهی یا یک سوژه ای مظلوم باشد و کسی در موردش کاری نکرده، بر خودم واجب می دانم که درباره اش کار کنم. مثل مستند «در حصار» که به شیعیان فوعه و کفریا می پرداخت. موضوع سختی بود، عملاً که نمی شد فوعه و کفریا رفت، اطراف زینبیه هم فیلمسازی سخت بود و فرمش آن چیزی که می خواستم بیرون نمی آمد؛ اما چون می دانستم آنها مظلومند، این مستند را ساختم.

الآن روی یک سوژه دشواری کار می کنم. سه سفر بابتش رفتم که دوسفرش هدر شده. یعنی از نظر تهیه کنندگی یک ضربه وحشتناکی است، اما چون مظلومند می گویم باید روی آن کار کنم. اصلاً به این کار ندارم که فرمش بیرون می آید یا نه. از این جهت سینمای مستند با سینمای داستانی تفاوت دارد. در سینمای مستند محتوا مقدم بر فرم است؛ یعنی اگر حرفی را باید بگویید ولو فرمش ضعیف باشد، باید بگویید. اما در کار داستانی باید به اندازه محتوای حرفت، فرم بلد باشی. اگر نمی توانی، یا تمرین کن، یا این حرف را نزن.

پیرو همین حرف به شخصی می دانم که مستند «در حصار» فرمش قوی نیست اما آن را ساختم چون تنها مستند راجع به فوعه و کفریا است و مردم راجع به آن اطلاعاتی ندارند. وقتی می شود کاری تولید کرد که در تلویزیون پخش شود و چند نقطه اکران شود، چرا این کار انجام نشود؟ وقتی مردم در همین حد اطلاع ندارند، این آدمها مظلومند. به خاطر همین قاعده



وراء

مقاومت وجود ندارد و کمبود یک فرد محوری برای انسجام نیروهای انقلابی به شدت احساس می شود، کسی که خود دغدغه مند این عرصه باشد و به بچه ها ضریب دهد.

عمار می تواند در حوزه های گوناگون سوژه یابی کند و آن را در اختیار فیلمسازان مختلف قرار دهد و به نظرم این مسئله ایرادی ندارد که جشنواره ای به فیلمساز پیشنهاد سوژه دهد و من خودم چند روز پیش مطالبه می کردم از مسئولان عمار که اگر سوژه ای درباره فتنه ۸۸ دارند به ما بدهند.

مدت ها پیش جشنواره عمار سوژه هایی را برای ساخت مستند مطرح می کرد که به نظرم خوب و راهگشا بود و اگر بچه های انقلابی هر چند مدت یکبار دور هم جمع شوند، می تواند اثرگذار باشد.

نقش عمار در دیده شدن آثار هنرمندان متعهد

مهمترین وظیفه ای که عمار بر عهده دارد، همین دیده شدن آثار فیلمسازان متعهد است و اگر مستند گنج پنهان در جشنواره ششم دیده نمی شد من به سراغ ساخت اثر نخل های بی سر نمی رفتم و پس از ساخت نیز این اثر دیده نمی شد.

این دیده شدن ها سبب شد مستند صدای غربت بیش از ۱ میلیارد تومان کمک جذب کند و این دیده شدن ها افزون بر این که به فیلمساز روحیه می دهد، به معنای اهمیت حرفی است که فیلمساز زده است؛ چرا که سینما با مخاطب شکل می گیرد و کارهایمان باید دیده شود و ما برای آرشيو و یا برای جشنواره ها کار نمی سازیم.

آینده جشنواره عمار

میل به زدن حرف جدید و پیشرفت به نظرم آینده ای درخشان را برای جشنواره عمار رقم خواهد زد و از آن جهت که تکلیف این جشنواره با خودش مشخص است، می تواند در آینده حرف نو و تازه ای برای مخاطب به همراه آورد.



فیلم
چشمه

۱۱

یادداشت



محمدی سرشت از «عشق گفت برو» می گوید

برادر سنی، زائر رضاع

بیشتر و تخصصی تر آموزش بدهند تا کاملا مسلط بشوند. تعداد افرادی که تازه وارد این عرصه شده‌اند به نسبت خوب شده ولی هنوز نمی‌توانند محتوای خودشان را با زبان سینمایی ارائه دهند و توجیهشان هم اهمیت محتوی و نسبت به فرم است در صورتی که ما باید زبان سینما را یاد بگیریم تا بتوانیم صحبت کنیم.

من فیلم سازی ام را با عمار شروع کردم و می‌توانم بگویم این جشنواره می‌تواند در آینده نقطه عطفی در جریان فیلم سازی انقلاب اسلامی باشد.

جشنواره عمار هم در کشور و هم در فضای بین المللی می‌تواند به عنوان یک مرجع سینمایی فراگیر شود چرا که به طبع رجوع هنرمندان ایرانی به این جشنواره، هنرمندان سایر کشورها هم به دلیل روحیه استکبارستیزی و استعمارستیزی عمار به آن رجوع خواهند کرد.

پیشنهادی به فیلمسازان

به افرادی که در عرصه فیلم سازی مشغول هستند پیشنهاد می‌کنم به موضوع نقد درون گفتمانی بیشتر بپردازند چرا که الان در جامعه موضوعات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی زیادی داریم که به آنها خیلی پرداخته نمی‌شود.

درخواستی از عمار

اگر جشنواره عمار خودش را از مرکزیت خارج کند و هر دوره در یک شهرستان برگزار شود خیلی بهتر است.

بنده دوستانی در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی شهر مشهد داشتم که این سوزه را معرفی کردند و ما هم با هدف معرفی طرح ولایت و ظرفیتهای آن این مستند را تولید کردیم.

مستند «مسجد نوجوانان»

مجموعه برنامه‌ای با عنوان «خط امید» تولید شد که موضوع آن مسائل حاشیه شهر مشهد بود و مستند «مسجد نوجوانان» هم قسمتی از این برنامه بود که ما در آن به جوانان مسجدی در یکی از مناطق حاشیه مشهد پرداختیم.

در سال ۹۲ مستند «محرمانه‌های مشهد» را با موضوع حاشیه شهر مشهد تولید کرده بودیم و با آن آشنایی داشتیم و امسال به سفارش شهرداری مشهد دوباره به تولید اثری با همان مضمون پرداختیم.

مشکلات ساخت «محرمانه‌های مشهد»

به طور کلی کار کردن در حاشیه شهر با خودش مسائل و مشکلاتی به همراه دارد که ما هم از آن بی نصیب نبودیم. در کارهای سفارشی ممکن است که خیلی از مشکلات را نداشته باشیم ولی در کارهایی که برای خودمان و دغدغه‌مان باشد جایی نیست که ما را حمایت کند.

حضور در دوره‌های متفاوت جشنواره عمار روند عمار تا الان کشف، پرورش و حمایت فیلمسازان متعهد و انقلابی بوده که این بسیار خوب است ولی باید نیروها را

«سید محمد محمدی سرشت» متولد ۶۴ شهرستان مشهد که مستند برگزیده «عشق گفت برو» را کارگردانی است طی گفتگویی درباره فعالیت خود در عرصه هنری عنوان کرد: بنده در سال ۸۵ با ورود به دوره آموزشی کارگردانی که در مشهد برگزار شده بود با فیلمسازی و مستندسازی آشنا شدم.

عنوان اولین مستندی که کارگردانی کردم «ما بی‌شماریم» بود که در سومین جشنواره عمار جایزه گرفت و امسال سه اثر را با عناوین «عشق گفت برو»، «چله بصیرت» و «مسجد نوجوانان» به این جشنواره ارسال کرده‌ام.

البته الان هم مستندی با موضوع تاثیر حرکت زنان مشهد مقدس بر انقلاب اسلامی با محوریت حاجیه خانم مقدسی در دست تولید دارم.

موضوع مستند «عشق گفت برو»

این مستند درباره زائرین اهل سنت است که هر ساله به مناسبت ایام شهادت امام رضاع (پیاده راهی حرم می‌شوند).

محمدی سرشت تصریح کرد: سفارش و ایده این کار از طرف شهرداری مشهد و هدف از ساخت آن نشان دادن وحدت و ارادت اهل سنت به اهل بیت (ع) بود.

موضوع مستند «چله بصیرت»

موضوع این کار مربوط به طرح ولایتی است که برای اولین بار به صورت خودجوش در مشهد برگزار شد و ۸۰۰ دانشجو در آن شرکت کردند.

تلفن همراه، راحت‌ترین و شاید بهترین وسیله ثبت سوزه است. سعی کنید به قابلیت‌ها و امکانات دوربین یا تلفن همراه خود مسلط شوید. همچنین از نرم افزارهای مختلفی که برای فیلم‌برداری و ضبط صدا در تلفن همراه ارائه شده‌اند دیدن کنید و اگر متوجه تأثیر آنها در بهبود عملکرد دستگاه‌ها شدید آنها را نصب نمایید.

۱



۲

دوربین را به صورت صاف و تراز و افقی نگه دارید و هرگز بدون توجه منظمی از نماهای گچ و غیرمستعار استفاده نکنید.



۳

اگر با تلفن همراه فیلم‌برداری می‌کنید، آن را روی حالت «پرواز» قرار دهید تا دریافت تماس یا پیامک باعث قطع ضبط فیلم نشود. مطمئن شوید موبایل‌تان به اندازه کافی باتری داشته باشد، همچنین حافظه‌ی گوشی را چک کنید که به اندازه‌ی کافی فضای خالی وجود داشته باشد و پر شدن حافظه، فرایند ضبط را قطع نکند.

۴

قبل از شروع کار، از محیط فیلم‌برداری دیدن کنید و از شرایط نوری، صداهای موجود در محیط و ... اطلاع پیدا کنید. این کار در صورت امکان باید چند روز قبل از شروع فیلم‌برداری صورت بگیرد. بر همین اساس تمام وسایل مورد نیاز کار را مشخص کرده و با خود بردارید. به طور مثال اگر خانه پدر شهبندی که می‌خواهید با وی مصاحبه کنید دارای چند اتاق است، اتاقی را انتخاب کنید که علاوه بر ویژگیهای خوب تصویری، محیط آرامی از نظر سر و صدا نیز داشته باشد.



۶

دقت کنید که تصویر سوزه اصلی، حتماً واضح (فوکوس) بوده و تار نباشد. برای این کار می‌توانید از تنظیمات دستی دوربین یا موبایل خود استفاده نمایید و یا با دوربین‌های مناسب، سوزه را روشن کنید تا دوربین در تشخیص آن دچار اشتباه نشود. جز در موارد ضروری، از حرکت دادن مداوم و ناهنجار دوربین، اجتناب کنید. هنگام تصویربرداری با موبایل دست‌هایتان را به بدن‌تان بچسبانید. این کار باعث لرزش کمتر دوربین می‌شود. سعی کنید با استفاده از اجسام ثابت مانند سکوی صندلی و ... برای خود تکیه گاهی فراهم کنید تا باعث لرزش کمتر تصاویر شود.

۵

دیدن فیلم‌هایی که دیگران با تلفن همراه ساخته‌اند می‌تواند باعث آشنایی شما با فضای فیلمسازی با موبایل شده و جرقه ای برای خلاقیت شما باشد.

۸

از مسیر رسیدن به سوزه نیز تصویربرداری کنید. میدان، خیابان، کوچه، راهرو و... از چیهایی که در کوچه فونبال بازی می‌کنند تا خانم‌هایی که جلوی خانه‌ها با هم حرف می‌زنند. از جوی آب میان کوچه تا علم و کتل هیئت. از وقتی رنگ در خانه سوزه را می‌زنید تا لحظاتی که داخل می‌روید تا آمدن صاحبخانه و شروع بحث و ... همچنین می‌توانید از طاقچه دیوار، کتابخانه و بهترین و دیگر اجزای خانه «سوزه» تصویر بگیرید. زیرا هر کدام از این‌ها می‌توانند در قصاسازی مکان زندگی سوزه شما مؤثر باشد.

۷

منوی ضبط تصویر را در موبایل یا دوربین خود، روی بهترین حالت ممکن قرار دهید. هرچه ابعاد یا حجمهای بزرگتری را در منو انتخاب کنید، تصاویر با کیفیت بالاتری ضبط خواهند شد.

فیلم سازی "تصویر" در مردمی

هفتمین جشنواره مردمی فیلم‌عمار

7th ammarpopularfilmfestival

۱۵

سعی کنید در بین صحبت‌های سوزه سکوت کنید و حرفهای وی را تا وقتی جمله اش کامل نشده قطع نکنید. این کار شما را در هنگام تدوین فیلمها، کمک بسیاری خواهد کرد. برای پرسیدن سؤال جدید نیز بگذارید سوزه جمله اش تمام شود و بعد سؤالتان را بپرسید.

۱۴

سعی کنید خاطرات خانواده شهبند را در حالت‌های مختلف و مکان‌های متفاوت ثبت کنید. مثلاً تعدادی از خاطرات را مادر در آشپزخانه و جین کار تعریف کند. پدر جین ورق زدن کتاب‌ها مقابل کتابخانه، همسر شهبند جین بهن کردن لباس‌ها روی بند. پدر شهبند جین نشان دادن وسایل شهبند.

۱۳

کمی هم از خانواده شهبند، در روز زندگی عادی‌شان فیلم بگیرید. این کار می‌تواند در انتهای مصاحبه و در جین خوش و پیش‌های آخر باشد. زمانی که خانواده به دوربین و شما عادت کرده و راحت است، بگذارید در حال و هوای خوششان باشند و شما از همان فیلم بگیرید. اگر لازم بود می‌توانید همراه سوزه بلند شده و با دوربین در حال ضبط آنها را تعقیب نمایید.

۱۲

سعی کنید خاطرات خانواده شهبند را در حالت‌های مختلف و مکان‌های متفاوت ثبت کنید. مثلاً تعدادی از خاطرات را مادر در آشپزخانه و جین کار تعریف کند. پدر جین ورق زدن کتاب‌ها مقابل کتابخانه، همسر شهبند جین بهن کردن لباس‌ها روی بند. پدر شهبند جین نشان دادن وسایل شهبند.

۱۱

سعی کنید سوزه را در مکان یا جایی از خانه بینشاید که نشانه‌های بیشتری از موضوع مورد بحث، پشت سر وی قرار بگیرد. به طور مثال اگر سوزه پدر شهبند است، سعی کنید در قاپ تصویر شما، علائمی از شهبند وجود داشته باشد. در صورتی که مجبور شدید، سوزه را در اتاق دیگری بینشاید میتوانید علائم مذکور را خودتان در پس زمینه قرار دهید.

۱۰

سعی کنید اگر تصویری می‌گیرید، در آن نشانه‌هایی باشد که فیلم شما را مستند کند. مثلاً: مصاحبه‌شونده در ابتدای گفت‌وگو، خود را به‌طور کامل معرفی کند و نسبت خود را با «شخصیت» یا «واقعیه موردنظر» شرح دهد. همین‌طور حتماً اگر اسنادی مانند عکس، وصیت‌نامه، دست‌نوشته و ... وجود دارد ثبت و ضبط نموده و به نحوی در فیلم خود مورد استفاده قرار دهید.

۹

در گرفتن تصویر دست و دل باز باشید. از گرفتن هیچ تصویری که به نظرتان ممکن است مفید باشد صرف نظر نکنید. به عبارت دیگر خودتان سوزه را سانسور نکنید. فیلم شما روی میز تدوین نهایی می‌شود، نه در تصویربرداری.



محمد امین همدانی:

«فهرست مقدس»؛ ایده سلحشور

این جشنواره با آرمانهایش باید به اولین جشنواره فیلم کشور تبدیل بشود که امیدوارم در آینده نزدیک این هدف بالقوه به بالفعل تبدیل بشود. جشنواره عمار مهمترین کاری که میتوان بکند این است که فرش قرمزها را لوله کرده تا شاید بتواند پرستیژ خود خوانده جشنواره فیلم را از بین ببرد تا با شایسته سالاری حرفها زده بشود.

جشنواره عمار باید با جمع کردن فرشهای قرمز و اصالت دادن به حرفهای ارزشی به غنا و محتوای فیلمهای کشور کمک کند تا بتواند حرف اصلی انقلاب را در داخل کشور زده و به خارج از کشور صادر کند.

پیشنهاد موضوع به هم صنفان

ما در ابتدا نباید درباره موضوع صحبت کنیم بلکه باید به رویکرد فکر کنیم؛ یعنی ما باید در ابتدا رویکرد انقلاب اسلامی را متوجه بشویم بعد به هر موضوعی که میتواند منعکس شود وارد شویم تا بتوانیم به طور صحیح حرف انقلاب را بزنیم.

انتقاد

جشنواره عمار یک مسیر خوبی را شروع کرد و شعارش این بود که گستره مخاطب برایش مهم است ولی من از آن سمت می خواهم بگویم که نباید تهیه کننده را از دست بدهد. اگر عمار به تهیه کننده بیشتر بپردازد طبیعتاً آثار بیشتری وارد جشنواره شده و جایگاهش بیش از پیش بالا می رود.

ساخت این پویانمایی در حدود ۱۸ ماه طول کشید که ما سعی کردیم آن را مبتنی بر تحقیق و توسعه و به حرفه ای ترین شکل تولید کنیم. این پویانمایی در جشنوارههایی مثل فجر، ققنوس، رسانه، مقاومت و بسیاری از جشنواره های بین المللی جایزه دریافت کرده است.

جشنواره عمار

تقریباً چهار سال است که با جشنواره عمار آشنا هستم و هر سال از طریق خانه انیمیشن حداقل با یک اثر در جشنواره عمار حضور داشته و جوایزی هم دریافت کرده ام.

این جشنواره از نظر مردمی بودن بی نظیر است ولی از نظر اهمیت به تهیه کننده باید بیشتر تلاش کند تا بتواند آنها را برای شرکت در جشنواره ترغیب کرده که عمار را هدف اصلی خودشان قرار بدهند.

زمانی که کار پخش می شود شنیدن فیدبک و بازخورد اثر برای تهیه کننده و کارگردان خیلی مهم است که پیشنهاد می کنم جشنواره عمار به این مسئله بیشتر توجه کند.

امثال ما که فیلم مان را برای اکران به همه شهرستان ها می رسانی دوست داریم که نظر مردم را راجع به کارمان بیشتر بدانیم.

مسیر جشنواره عمار طبیعتاً مسیر خوبی است ولی باید حتما در خصوص این مدل بازخوردها و نکاتی که شرکت کنندگان و تهیه کننده ها می گویند هم بیشتر فکر کند.

محمد امین همدانی، متولد سال ۱۳۶۶، کارگردان پویانمایی «فهرست مقدس» و فارغ التحصیل رشته فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) بالغ بر ۱۵ سال است که در حوزه انیمیشن فعالیت می کند و کارش را با تیزرهای تبلیغاتی شروع کرده است. در سال ۸۷ موسسه «هفت سنگ» و در سال ۹۰ «خانه پویانمایی انقلاب اسلامی» را تاسیس کرده که هم اکنون در همین موسسه مشغول به کار است.

آثار

سریال «دره زنجفیل» از اولین آثاری است که به صورت جدی کار کردم، انیمیشنی داشتم با عنوان «۹:۲۰ در بوشهر» که در جشنواره فجر سال ۹۱ حضور داشت؛ البته کارهای کوتاه زیادی از جمله «نماز و باران» را داشتم که در جشنواره های زیادی جایزه گرفت.

«فهرست مقدس»

طرح اولیه این پویانمایی از مرحوم فرج الله سلحشور و موضوع آن در خصوص یک اتفاق تاریخی پیش از اسلام است؛ داستان به راهزنی می پردازد که به او ماموریت کشتن شخصی را داده اند ولی جریاناتی اتفاق می افتد که او را متحول می کند.

«فهرست مقدس» یک پیام بین المللی است که هدف آن تفکیک کردن مسیحیت صهیونیست از مسیحیتی است که با نگاه قرآنی نزدیکی بیشتری دارد.

عبدالامیر سبیدی:

فرصت رشد عمار به هنرمندان بهترین خدمت

برای ساخت این پویانمایی منابع، سیستم ضعیف و سخت افزار محدودی داشتیم که این باعث طولانی شدن روند کار شد.

■ جشنواره عمار

سال ۹۳ توسط یکی از دوستان با جشنواره عمار آشنا شدم و نظرم راجع به این جشنواره این است که عمار با جریان فوقالعاده‌ای که بوجود آورد باعث دیده شدن کارهای انقلابی شده است.

یکی از مزیت‌های این جشنواره پوشش دادن گرایش‌های مختلف در خودش بوده و مزیت دیگر بحث اکران عمومی‌اش است که امیدوارم این حرکت با همین روال پیش رود تا در آینده یکی از سرآمدترین جشنواره‌ها شود.

■ تغییر جشنواره عمار در عرصه سینما

همین فرصت رشدی که عمار به هنرمندان شناخته نشده داد بهترین خدمتی بود که می‌توانست در جهت تقویت عرصه سینمایی داشته باشد.

عبدالامیر سبیدی کارگردان ۳۳ ساله پویانمایی «جنگ جهانی سوم» طی گفتگویی از نحوه ورود خود به عرصه هنری اذعان داشت: من به دلیل علاقه شخصی در سال ۸۱ یادگیری و خودآموزی انیمیشن را شروع کردم که به واسطه آن سال ۸۴ در یک شرکت مشغول به کار شدم.

پس از ورود در آن شرکت، ساخت انیمیشن را به صورت جدی آغاز کردم و الان هم این کار را در مرکز هنری بسیج یزد ادامه می‌دهم.

از کارهای مطرحی که انجام داده‌ام «مهمان ناخوانده» بود که سال ۹۳ در جشنواره عمار مقام آورد و «دو نفر بر فراز یک منبر» با موضوع واقعه غدیر خم بود که مقام اول را در جشنواره طنین کسب کرد.

■ موضوع پویانمایی «جنگ جهانی سوم»

ما در این اثر سعی کردیم ماهواره را به عنوان یک سرباز آمریکایی نشان دهیم که وارد بافت سنتی و بومی شهر یزد شده و با استفاده از اسلحه، آثار فرهنگی شهر را تخریب می‌کند.

■ رده سنی «جنگ جهانی سوم»

این پویانمایی برای کودک و نوجوان مناسب است و با ساخت این کار قصد داشتیم افراد را به خود بیاوریم که جنگ نرم کمتر از جنگ سخت نیست.



۱۵

یادداشت



اکران و تشکیلات

جمال یزدانی

اکران در جشنواره مردمی فیلم عمار یک کنش جمعی است. اما هر کنش جمعی الزاما کار تشکیلاتی نیست. کار تشکیلاتی مرتبه‌ای بالاتر و منظم‌تر از کنش جمعی است، البته هر لحظه احتمال دارد که این امر تشکیلاتی خود اصالت پیدا کند و آن را از یک کنش جمعی خودآگاه به کنشی عادت‌وار و بوروکرات تبدیل نماید. در این کنش جمعی، تشکیلات بعد از عملیات شکل گرفته است. یعنی رابطه تشکیلاتی اکران‌کننده‌ها با یکدیگر نه رابطه‌ای ابلاغی و ساخته شده بلکه رابطه‌ای خودجوش و مبتنی بر عملیات ایجاد شده است. نفس و ماهیت تشکیلات وابسته به آن چیزی است که برای آن شکل گرفته. در تشکیلات اکران همه در یک سطح‌اند، و بالا و پایین ندارد. فاصله‌ای میان ستاد و صف وجود ندارد و ستادی‌ها خود اکران‌کننده بوده‌اند و هستند و بدون واسطه با اکران‌کننده ارتباط وجود دارد. شرایط ویژه و گزینشی جدی وجود ندارد، چون عملیات تعریف شده آن قدر کیفی هست که آدم‌های مرتبط با خود را جذب تشکیلات نمایند. اتصال و انفضال به تشکیلات بسیار راحت است گرچه معمولا انفضال و ریزش بسیار پایین است. آنچه که به تشکیلات هویت می‌دهد نه تلاش ستاد یا عامل بیرونی که خود عملیات است. خلاقیت در اکران بسیار بالاست و تشکیلات مانع خلاقیت‌ها نیست بلکه آن‌ها را به این امر سوق می‌دهد. گرچه مدل‌ها و تجربیات این حوزه از سوی ستاد به شبکه اکران‌کنندگان منتقل می‌شود اما آن قدر اقتضائات و مسائل آن‌ها متنوع است که عملا شاید در جزئیات اجرا چندان موثر نباشد. حتی لازم نیست اکران‌کننده به این تشکیلات الزاما متصل باشد بلکه می‌تواند به‌طور مستقل در جایی که حضور دارد عملیات کند و آن‌گاه خود این امر مایه جذب به تشکیلات می‌شود. این تشکیلات مردمی داوطلبانه است.



PAZ ANIMATION

جنگ جهانی سوم



whoishussain

نعمتی از ساخت «حسین کیست» می گوید

قول هایی که هیچ وقت عملی نشد

محمد هادی نعمتی، کارگردان جوان سینمای ایران، از سال ۸۸ با شرکت در کلاس های انجمن سینمای جوان وارد عرصه هنر شد و پس از آن در کلاس های مؤسسه شهید آوینی شرکت کرد و نخستین کارش را با «نام آرامش شام» در سال ۹۱ ساخت.

او که در دانشگاه لیسانس مدیریت بازرگانی خوانده تا کنون آثار بسیاری از جمله مستند «رجعت»، «محرّم ترک» و «خیال پرست» را کارگردانی کرده و در جشنواره های متعددی از جمله حقیقت، مدافعان حرم نیز حضور داشته و امسال نیز با اثر «who is hossein» در هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار حضور دارد.

who is hossein چیست؟

who is hossein جنبشی است که در لندن پایه گذاری شد و در کشورهای مختلف از جمله آمریکا، کانادا، انگلیس، فرانسه، آلمان، نروژ، استرالیا، نیجریه، کویت، لبنان، هند و پاکستان کمپین هایی به این نام تأسیس شد و به یاد امام حسین (ع) برنامه های متنوع مردمی، مانند اطعام بی خانمان ها، رسیدگی به ایتم، اهداء خون، امور خیریه، کمک به قربانیان حوادث طبیعی و تبلیغات خلاقانه انجام می دهند و مردم جهان را با سومین امام شیعیان و قیام آزادی طلبانه او آشنا می کنند.

بگذارید، همه پای کار هستند و از شما حمایت می کنند، اما اگر بخواهید در چنین مقوله هایی مذهبی و دینی ورود کنید کسی حال و حوصله حمایت از شما را ندارد و با رفتار و صحبتشان آدم را مأیوس از ادامه راه می کنند.

ما این کار را از هزینه شخصی خودمان ساختیم و مراکزی که پیش از ساخت به ما قول حمایت دادند پس از تدوین و آماده شدن مستند زیر قول خود زدند و هیچ گونه حمایتی از ما انجام ندادند.

اثری جدید در راه است

برنامه ای برای ساخت موزیک ویدیو هایی با زبان های مختلف در رابطه با امام حسین (ع) داریم و ساخت اثری با زبان انگلیسی را آغاز کرده ایم و اگر خدا توفیق دهد، موزیک ویدیویی با زبان های اردو و عربی را هم به زودی خواهیم ساخت.

عمار و خطرات پیش رو

در سال های پیش آثار جشنواره عمار به سوی حزبی بودن پیش می رفت، اما در این ۲ سال تنوع انتخاب آثار بسیار بهتر شده و امیدواریم که روز به روز نیز تر شود، با پیشرفت هایی که جشنواره عمار پیش گرفته و هر سال ایده ها و نوآوری های تازه ای به جشنواره افزوده می شود و به نظرم هر سال این جشنواره پخته تر و موفق تر خواهد شد.

در سال جاری موزیک ویدیو هایی که توسط بچه های انقلابی ساخته شده از لحاظ فرم و تکنیک از سطح استاندارد خوبی برخوردار است و عمار نیز خوشبختانه به این مهم توجه ویژه ای کرده است و با توجه به پیشرفت های روز افزون بچه های فیلمساز در تولید آثار کوتاه داستانی، می توان پیش بینی کرد تا چند سال آینده میانگین کیفیت آثار بچه های انقلاب در زمینه کارهای کوتاه از جایگاه خوبی برخوردار خواهد بود.

اگر جشنواره عمار درگیر بازی های حزبی و سیاسی نشود، می تواند در زمینه عرضه فیلم های بلند سینمایی نیز به یکی از مطرح ترین و برجسته ترین جشنواره ها تبدیل شود.

موضوعات مغفول مانده

در کشور ما موضوعاتی اجتماعی وجود دارد که کمتر کسی به سراغ آن ها می رود و اثری از بچه های انقلاب با موضوعات اجتماعی کمتر دیده می شود و حرف هایی هم که زده شده بعضاً تکراری است که این مسئله مقداری به خود سانسوری بچه ها بر می گردد، اما برخلاف سوژه های اجتماعی، فیلمسازان متعهد در عرصه بین المللی پتانژری وارد میدان شده اند بنده مستندی به نام خیال پرست، در رابطه با مقوله حجاب ساختم که به خاطر صراحت در موضوع و پرداخت توسط گروه های حزب الهی نیز بایکوت شد اما در شبکه های مجازی بسیار خوب دیده شد و این نشان از اهمیت و پتانسیل بالای موضوعات اجتماعی دارد و زمان آن رسیده که بچه های انقلابی وارد میدان شوند و حرف های صریح و نقدهای را بدون پرده بیان کنند.

امیدواریم جشنواره عمار همانند گذشته به رسالت عمارگونه خود عمل کند و فیلمسازان عمار از هیچ انتقادی واهمه نداشته باشند؛ چرا که اگر فکر کنیم مخاطب ما، افرادی همسو و همفکر با ما هستند، عدم پیشرفت ما را به همراه خواهد داشت.

فیلمساز عمار باید در عرصه هایی که تا به حال کسی ورود نکرده انقلابی وارد شود تا سطح کمی و کیفی جشنواره عمار هر ساله نسبت به سال گذشته ارتقاء یابد.

در ایران who is hossein شعبه ای از

پس از برگزاری راهپیمایی باشکوه اربعین در سال گذشته «گروه فرهنگی صدای میقات» جنبش who is hossein را راه اندازی کرد که کارهای رسانه ای بسیاری از جمله تولید چند کلیپ جهت معرفی امام حسین (ع) به زبان انگلیسی توسط این گروه فرهنگی به انجام رسید و بازخوردهای مثبت این کلیپ ها از سوی فعالان فرهنگی کشور از جمله آقای نادر طالب زاده زمینه ادامه کار در این مسیر را مهیا کرد.

پس از این که کارهای ما از شبکه های مختلف خارجی از جمله «پرس تی وی» پخش شد، از سوی دفتر مرکزی با ما ارتباطاتی گرفته شد که در صورت امکان بتوانند از ظرفیت های رسانه ای ما و تولیداتی که انجام داده ایم استفاده کنند.

بزرگترین حرف مستند

به عقیده ما شیعیان زمانی که امام زمان (عج) ظهور می کند، خودشان را به امام حسین (ع) معرفی می کند و ما ایمان داریم که در آن زمان همگان امام حسین (ع) را می شناسند، پس ما باید امام حسین (ع) را با زبان های مختلف به تمامی نژادها و ملت های دنیا معرفی کنیم تا همگان با اندیشه های ناب اسلام آشنا شوند.

مشکلات ساخت در خارج از ایران

در کشور اگر روی سوژه های سیاسی و حزبی دست

مطالبات رهبری، انگیزه گروه فیلمساز

میثم فیض‌اللهی، اهل خوزستان و از اعضای کانون پرورش‌فیلمی «آوای بیداری» است که در بخش «فیلم‌ما» هفتمین جشنواره مردمی عمار شرکت کرده‌اند. در ادامه گفتگوی خبرنگار هفتمین جشنواره مردمی عمار با آقای فیض‌اللهی را می‌خوانید.

گروه شما چند نفر است و قبل از ساخت فیلم‌تان با هم آشنایی داشتید؟
بله ما یک گروه ۲-۳ نفری هستیم که عضو کانون پرورش‌فیلمی آوای بیداری هستیم. ما سال‌ها در کانون فعالیت داشتیم برای همین با روحیات و دغدغه‌های یک‌دیگر آشنا بودیم.

چه شد که کنار هم قرار گرفتید؟ دغدغه‌های مشترک یا علاقه به فیلم‌سازی؟
دغدغه‌ها و شباهتی که در جامعه وجود دارد باعث شد به فکر تشکیل یک گروه فیلم‌سازی بیفتیم؛ خواستیم از این طریق به شبهات موجود پاسخی درخور داده باشیم و به نحوی دغدغه‌های مقام معظم رهبری را نشر بدیم.

چطور به سوژه فیلم رسیدید؟ مشورت اعضا یا ایده یک نفر؟
ایده اولیه مال بنده بود که در گفت‌وگو با دوستان توسعه پیدا کرد.

تقسیم کار در گروه؟
نگارش کار را به یکی از دوستان که در زمینه نویسندگی مستعد است سپردیم و کارگردانی را هم با توجه به این‌که قبلاً آن را تجربه کرده بودم خودم متقبل شدم. تدوین را هم به دوستی که آشنایی قبلی با این حوزه داشت واگذار کردیم.

تجهیزات را چه‌طور تهیه کردید؟
خودمان که لوازم لازم را نداشتیم. دوربین و بوم صدا را کرایه کردیم.

هزینه‌ها توسط خود گروه تأمین شد؟
همان مدرسه‌ای که در آن کار کردیم تا اندازه‌ای به ما کمک کرد. یک بخشی از هزینه را هم از جیب خودمان گذاشتیم که البته زیاد هم نبود؛ کل کار با همه هزینه‌ها از یک میلیون کمتر شد.

اسم مدرسه چه بود؟
نادال‌الصالحین، شالباف سابق اهواز. از جمله مدارسی هستند زیر نظر حوزه علمیه اداره می‌شوند.

در مراحل مختلف کار با چه سختی‌ها و مشکلاتی مواجه بودید؟
برای انتخاب مسأله فیلم خیلی زمان گذاشتیم تا بعد به این نتیجه رسیدیم که طبق فرموده رهبر روی موضوع تولید ملی و اقتصاد مقاومتی کار کنیم. تحقیقات زیادی هم در این زمینه انجام دادیم منتها یکی از عمده مشکلات-مان این بود که پیش از این زیاد روی این مسأله کار نشده بود که ما با پشتوانه تجربه آن‌ها کار را پیش ببریم. به علاقه‌مندان به فیلم‌سازی هم می‌گویم که تحقیقات پیش از نگارش فیلمنامه را به شدت جدی بگیرند و بی‌گدار به آب نزنند و برای انتخاب سوژه از صحبت‌های رهبری خط بگیرند و روی مسأله‌ای که ایشان روی آن تأکید دارند تمرکز کنند.



۱۷

یادداشت

رونمایی از چشم‌های مردم بین

مجید مالکی

بعد از تجدد و آشنایی ما با غرب، گفتمانی در جامعه ایرانی شکل گرفت که کعبه آمالش در دنیای جدید بود. این نسبت در سینما هم وجود داشت و فیلم‌هایی ساخته می‌شد که از ریشه با تاریخ این مملکت نسبتی نداشت. شخصیت‌هایش فرنگی نبودند اما فرنگی مآب بودند و رنگ دنیای جدید به تشنه‌شان خورده بود. نه ایرانی بودند نه غربی. ایرانی نبودند چون هویتشان ایرانی نبود و تاریخشان را انکار می‌کردند. فرنگی نبودند چون بزرگ‌شده این آب و خاک بودند و همانند غربی‌ها درک درستی از دنیای جدید نداشتند. نمی‌توانستند به تمامه ایرانی بودنشان را فراموش کنند.

تکلیف قهرمان در عصر جدید روشن بود. بت‌من، اسپایدرمن یا پانداکونگ‌فو کار یکی از اهالی شهر بود که در هنگام بحران، شهر را نجات می‌داد؛ اما مردم ما «فیلم» بودنش را بیشتر باور می‌کردند تا قهرمان بودنشان را. سینمای داخلی هم به جز معدودی از آثار، سینمای مردانی عقیم بود. اساساً مردی در کار نبود، تا پای قهرمانی وسط باشد. ملتی که تاریخ کهن و زنده‌ای دارد، قهرمان خودش را می‌خواهد. ملتی که در صد سال اخیر برای استقلالش جنگیده است و با اب‌قدرت‌ها پنجه در پنجه انداخته، هزینه داده و ایستاده، چطور قهرمانان فرنگی را باور کند؟ اگر کسی نبود تا قهرمانش را نشان دهد، مشکل از مردم نبود، مشکل از چشم‌ها بود. جشنواره عمار، جشنواره چشم‌های مردم بین است. شیخ زکراکی، آن حزب‌اللهی صادره از نیجریه، «خانم محترم»ی که با چادرش زیر چکمه‌های رضاخانی له شد، «ابوحامد» و «سیدابراهیم» که با تکفیری‌ها جنگیدند، غایبان سال‌های گذشته سینمای ایران بودند که در جشنواره عمار متولد شدند. عمار جشنواره رونمایی از چشم‌های مردم بین است. مستندهایی که هر ساله قهرمانانی از دل همین آب و خاک را روایت می‌کنند و برای مردم آیینگی می‌کنند.





حسین رضانی، اکران کننده رفسنجان اکران هزار نفری

۱- خودتان را معرفی کنید. حسین رضانی ۳۰ سال سن دارم و در مؤسسه ای فرهنگی در رفسنجان مشغول هستم.

۲- چگونه با جشنواره عمار آشنا شدید؟ همزمان با برگزاری چهارمین جشنواره فیلم عمار از طریق تبلیغات در فضای مجازی و یکی از دوستان که از رابطان اکران مردمی در استان کرمان بود با جشنواره آشنا شدم.

۳- فیلم ها را از کجا و چه کسی می گرفتید؟ فیلم های جشنواره به صورت معمول به دست من رسید، به این صورت که ابتدا در سایت ثبت نام کردم و سپس دی وی دی فیلم ها برایم ارسال شد.

۴- چرا تصمیم به اکران فیلم گرفتید؟ برای اینکه جشنواره عمار می تواند به مبحث مبارزه با تهاجم فرهنگی که رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان خود به آن اشاره فرموده بودند کمک کند، جامعه هنری و فیلم ساز ما باید به سطحی برسند تا افزون بر پرداختن به موضوعات کلان کشوری، فیلم های بسیار خوبی در مورد جهان اسلام تولید کنند.

۵- در حاشیه اکران ها چه می کردید؟ سالانه برنامه ویژه ای برای نمایش فیلم های جشنواره عمار داریم و در این برنامه از چهره های انقلابی و شناخته شده کرمان جهت سخنرانی دعوت می کنیم.

۶- پرمخاطب ترین اکران ها چند نفر مخاطب داشت؟ نزدیک به هزار نفر مخاطب در زمان اکران فیلم «خانه ای کنار ابرها» در «تالار خیام» دانشگاه حضرت ولی عصر (عج).

۷- وسایل تبلیغی شما چه بوده است؟ از ظرفیت فضای مجازی استفاده کردیم و در کنار آن از سامانه های پیامکی و سایت ها نیز برای انجام هرچه بهتر تبلیغات بهره می بردیم، البته شهرداری رفسنجان همکاری بسیار خوبی با ما در انجام تبلیغات نمایش فیلم های جشنواره عمار در سطح شهر داشت و تبلیغات ما به شکل بسیار خوبی در سطح شهرستان پخش می شد.

۸- وسایل و تجهیزات اکران را از کجا می آوردید؟ تجهیزات لازم توسط بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) که شعبه ای از آن در شهر رفسنجان فعالیت می کند، تامین می شود.

۹- اکران را انفرادی یا گروهی انجام می دهید؟ کار اکران و نمایش فیلم های این جشنواره نه تنها در شهر رفسنجان بلکه در سایر نقاط کشور نیز به صورت انفرادی امکان پذیر نیست و گروهی انجام می شود.

۱۰- کدام فیلم را بیشتر اکران کردید؟ بیشترین فیلم اکران شده تا امروز فیلم کوتاه «علمک» بود و بسیار زیاد مورد استقبال مردم در نوبت های متعدد اکران قرار گرفته است.

۱۱- با رسانه ها ارتباط داشتید یا از خبرنگاری خواستید اخبار اکران را پوشش دهد؟ ارتباط بسیار خوبی با رسانه ها داریم و از سایت ها و رسانه های خبری رفسنجان برای پوشش نمایش فیلم های جشنواره عمار در این شهر استفاده کرده ایم.

۱۲- اثر جشنواره عمار بر شما، دوستانتان، مخاطبان و حزب اللهی ها؛ خوشبختانه امروز موجهی در سطح کشور به دنبال برگزاری جشنواره مردمی فیلم عمار ایجاد شده که می تواند سینما را به سمت ارزش های دینی و انقلابی حرکت بدهد و این موضوع بسیار خوب و ارزشمند است که در حال حاضر این دغدغه در بین جوانان فیلم ساز این شهرستان دیده می شود و به یاد دارم وقتی به یکی از پایگاه های بسیج رفسنجان رفتم مشاهده کردم تعدادی از جوانان فیلم ساز این شهر به دنبال ساخت فیلم هایی از شهدای شاخص این شهر هستند تا آنها را به جشنواره عمار ارسال کنند.

در این فضای فرهنگی کارهای فراوانی می توانیم انجام بدهیم و بسیار تاثیرگذار باشیم؛ حتی حرکت در این مسیر می تواند به عنوان باقیات و صالحات

برای ما محسوب شود. برگزاری این جشنواره می تواند به مبحث مبارزه با تهاجم فرهنگی که رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان خود به آن اشاره فرموده بودند کمک کند.

۱۳- اگر امکان این را داشتید که تمام وقت خود را صرف اکران کنید، چه اقداماتی را انجام می دادید؟ قطعاً تعداد بیشتری از فیلم ها را برای مردم و مخاطبان نمایش می دادم، زیرا معمولاً عمده مشکلات ما در راه فعالیت های فرهنگی کمبود وقت است و اگر امکانات لازم نیز فراهم بود، رابط هایی در سطح روستاهای استان تعیین می کردیم و با اجاره دادن تجهیزات اکران به آن ها برنامه نمایش فیلم های جشنواره عمار را در این روستاها نیز برگزار می کردیم.

۱۴- آخرین فیلمی که در سینما دیدید: فیلم سینمایی «بادیگارد» ساخته ابراهیم حاتمی کیا

۱۵- مهم ترین مکانی که باید در آن اکران فیلم صورت گیرد: مساجد، زیرا رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز تاکید داشته و دارند مساجد کارکرد قدیمی خود را حفظ کرده و رسالت فرهنگی و همیشگی خود را از دست ندهند.

۱۶- جشنواره عمار به کدام دسته از مخاطبان توجه بیشتری کند؟ با توجه به همه غرب به کودکان و نوجوانان اگر بتوانیم به حوزه کودک و نوجوان ورود کنیم و انیمیشن ها و فیلم هایی در این زمینه تولید کنیم، سبب می شود تا از نسل آینده فیلمسازان خوبی تربیت شود.

۱۷- نقش خانم ها در اکران مردمی: بانوان می توانند با نمایش فیلم ها در محفل های خصوصی خود در دانشگاه ها و اردوهای جهادی گام بزرگ و موثری در این فرهنگ سازی بردارند. آن ها همچنین می توانند در کنار آقایان فیلم ساز اقدام به سوزه یابی کرده و دست به کار فیلم سازی بزنند.



اکران در اربعین شهید
مشهد - خراسان رضوی

۱۰ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: مستند سید ابراهیم

۵۰۰ نفر بیننده

اکران در مسجد
سمنان - سمنان

۷ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: مستند میم مثل مسجد آمل آتش

۶۰ نفر بیننده

اکران در جمع زائران شاهرضا
شهرضا - اصفهان

۱۰ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: داستانی لکه / فیلم مادر

۸۰ نفر بیننده

اکران در مسجد
البرز - کرج

۱۱ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: من مدیر جلسه ام

۵۰ نفر بیننده

اکران در مسجد
شهریزاد - سمنان

۱۰ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: برخورد / قرآن های بر نیزه

۳۰ نفر بیننده

اکران در سینما
گرمان - گرمان

۹ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: دیو / مادرانه / وارثین / ارغوان

۱۰۰ نفر بیننده

اکران در منزل شخصی
چرام - کهگیلویه و بویر احمد

۱۱ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: دیو / بی خوابی / روزگار اکبر

۸ نفر بیننده

اکران در مصلی
اردبیل - اردبیل

۱۰ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: قرآن های بر نیزه

۱۵۰ نفر بیننده

اکران در منزل جانباز
مشهد - خراسان رضوی

۱۰ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: مستند گردان قاطرزه

۱۲ نفر بیننده



«مجاهدت خاموش»

مرهمی بر زخم محرومین

هر سال گروه های جهادی به مناطق محروم اعزام می شوند تا رنج محرومیت را بکاهند. گروه هایی که در کنار کارهای فرهنگی و عمرانی، سعی در درمان و خدمت رسانی به محرومین دارند.

مستند «مجاهدت خاموش» نشان دهنده تلاش جمعی از دانشجویان دندانپزشکی برای کمک رسانی به مناطق محروم و دورافتاده قزوین است که خود را به جمع روستاییان رسانده تا مرهمی بر سستی های آنان باشند. دانشجویان دندانپزشکی به روستای آکوجان در ۸۰ کیلومتری قزوین سفر می کنند تا به آن ها خدمت رسانی کنند. مردمی که به دلیل محرومیت توان پرداخت هزینه های سنگین دندانپزشکی را ندارند.

حمید حامدی فر کارگردان «مجاهدت خاموش» درباره شکل گیری این مستند گفت: «در رسانه ملی از تلاش جهادگران در مناطق محروم مستندهایی تهیه شده است اما در استان قزوین اطلاع رسانی مناسبی درباره حضور بسیجیان در مناطق محروم صورت نگرفته بود.»

«who is hussain»

که عالم همه دیوانه اوست

اگر ابراهیم با قربانی کردن اسماعیلش، خلیل الله شد؛ حسین (ع) در یک روز، تمام اسماعیل هایش را قربانی کرد. این رمز و راز شوریدگی و عشق تمام عالم به حسین (ع) است.

مستند «who is hussain» به معرفی امام حسین (ع) در بستر روز اربعین پرداخته است. حسینی که انسان ها را فارغ از ملیت های مختلف، زیر یک پرچم جمع کرده، ملیت هایی با زبان های مختلف که زبان مشترک همه آن ها حسین است. هر کس از نگاه خودش امام حسین (ع) را شناخته، یکی از او درس شناخت حق و باطل و دیگری مبارزه با ظالم را آموخته است. در پایان مستند، هر کس با هر نژاد و قومیتی از موعودی می گوید که همراه عیسی مسیح ظهور می کند و جهان را از ظلم نجات خواهد داد.

محمد هادی نعمتی کارگردانی این اثر را به عهده داشته که در موضوع بیداری اسلامی و جهانی تهیه شده است.



«هزار و یکمین سنگر»

روایتی از زندگی شهید طاهره هاشمی

صبح روز ششم بهمن ماه ۱۳۶۰، گروهک تروریستی اتحادیه کمونیست های ایران به شهر آمل حمله می کند. این اقدام تروریستی با مقاومت سپاه، بسیج و مردم قهرمان شهر آمل شکست می خورد و از آن روز به بعد شهر آمل به شهر هزار سنگر ملقب می شود.

«هزار و یکمین سنگر» مستندی درباره شهید طاهره هاشمی نوجوان ۱۴ ساله است که در میانه درگیری های شهر آمل، زمانی که سعی داشت برای مجروحین دارو ببرد، مورد اصابت گلوله تروریست ها قرار گرفت و به شهادت رسید.

این مستند به کارگردانی امیرحسین نوروزی و تهیه کنندگی انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس تولید شده است.



«به نام آزادی»

زینبیه پایتخت مقاومت

با شروع جنگ در سوریه، هر روز تابوت ها بیشتر می شدند و دستی نبود که گهواره ها را تکان دهد. گروهک های تکفیری تا صد متری حرم حضرت زینب (س) نفوذ کرده بودند اما مقاومت مردم زیر سایه حرم، باعث شکست تروریست ها شد.

مستند «به نام آزادی» به شروع درگیری ها در محله زینبیه و بین همسایه ها و ساکنان این محله می پردازد. محله ای که اهل سنت هم از گروهک های تکفیری در امان نبودند اما شهر به مناره های حرم تکیه داده بود. حرمی که اهل سنت و شیعه را به گرد خود جمع کرد و بیراه نیست اگر که زینبیه را پایتخت مقاومت بنامیم. محمد قانع کارگردانی «به نام آزادی» را بر عهده داشته است.

«فاستقم»
مقاومت دینی در برابر گروهک های تکفیری

با حملات گروهک های تکفیری به دمشق و منطقه زینبیه، اغلب ساکنان این منطقه، محل سکونت خود را ترک کردند ولی گروهی از طلاب حوزه علمیه مدرسه امام خمینی (ره) منطقه را ترک نکردند؛ زیرا تعطیلی حوزه و ترک زینبیه را پیروزی تکفیری ها می دانستند.

از جمله افراد حاضر در صحنه مقاومت، طلاب و علمایی بودند که به پیکار با تکفیری ها پرداختند. مستند «فاستقم» با موضوع جهاد طلاب حوزه علمیه و حضور آن ها در بحرانی ترین روزهای دمشق ساخته شده است. روزهایی که تروریست ها تا ۲۰۰ متری حرم رسیدند اما تنها دفتری که باز ماند، دفتر مقام معظم رهبری و تنها حوزه هم حوزه علمیه امام خمینی (ره) بود. طلبه ها ماندند تا رعب و وحشت شکسته شود، حوزه حتی یک روز هم تعطیل نشد. وجود حوزه نقش مهمی در آرامش مردم داشت.
 «فاستقم» مستندی متفاوت با تاکید بر مقاومت دینی طلاب و به کارگردانی محمد باقر خالقی است.



«یک شهر یک قیام»
قم شهر قیام

چاپ مقاله توهین آمیز در روزنامه اطلاعات مورخ ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ با عنوان ایران و استعمار سرخ و سیاه باعث واکنش مردم و طلاب قم شد. بعد از قیام مردم قم، مردم شهرهای دیگر ایران نیز در یادبود شهدای قیام قم، قیام کردند و نهضت چهلیم ها، کشور را فراگرفت.

مستند «یک شهر یک قیام» به موضوع قیام مردمی ۱۹ دی ماه سال ۵۶ و اهانت روزنامه اطلاعات به ساحت امام خمینی (ره) می پردازد. این مستند، روایتی از جرقه فائزیهایی مبارزات علیه رژیم شاهنشاهی است که سیزده ماه پس از آن، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید.
 کارگردانی «یک شهر یک قیام» را امیر حسین خلیلی برعهده داشته و گویندگی گفتار متن فیلم را نیز محمدرضا سرشار انجام داده است.



۲۱

معرفی فیلم



«کنده دیگر دود نمی کند»
هر نی ای شمع مزار خویش شد

خوشنویسی، هنری اسلامی و ایرانی است که در معرض خطر قرار دارد، چون قلم نی رو به زوال است. قلم نی، محصول بومی دزفول است که شهرت بین المللی دارد ولی با وارد شدن قلم های چینی به ایران و همچنین نادیده گرفته شدن خوشنویسی در مدارس با حذف درس هنر؛ فروش و عرضه قلم نی دشوار شد.

مستند «کنده دیگر دود نمی کند» تلاش مزرعه داران قلم نی دزفولی برای سرپاماندن محصول در حال زوالشان را روایت می کند. مزرعه دارانی که مجبور شده اند هر سال نیمی از محصولشان را آتش بزنند. از همین رو اکنون کشاورزان قلم نی دست از کار کشیده اند و سراغ کاشت محصولات دیگر رفته اند و این محصول بومی در خطر نابودی قرار گرفته.
 محمدباقر حنطوش زاده کارگردان این اثر اظهار کرد: «به دلیل مشکلات کاشت و داشت و برداشت قلم نی، فیلمبرداری یک سال طول کشید.»

«شیخ صباح»

اتحاد علیه تکفیری ها

در شرایطی که منطقه، درگیر فتنه های مذهبی شده و رسانه های بیگانه همواره تلاش می کنند به جنگ شیعه و سنی در عراق و دیگر کشورها دامن بزنند، مقاومت و اتحاد بین شیعه و سنی تنها راه پیروزی در برابر گروهک های تکفیری است.

مستند «شیخ صباح» درباره رئیس عشیره سُمر از قبایل مشهور و بزرگ اهل سنت عراق است که به همراه ۳۵۰ نیروی اهل سنت، در کنار رزمندگان شیعه در جبهه های نظامی مشغول مبارزه در برابر تکفیری ها هستند. در این مستند نشان داده می شود که اهل سنت در کنار شیعیان، در خط مقدم مبارزه با داعش و سایر تکفیری ها قرار دارند.

محسن اسلام زاده اسکستانی گفت: «انتخاب این سوزه، واکنشی به موج خبرسازی رسانه های غربی و عربی حامی جریانات تکفیری است که به دنبال وارونه نشان دادن مبارزات گروه های مردمی علیه تکفیری ها هستند. این رسانه ها در تلاشند تا جنگ متحدانه مسلمانان شیعه و سنی علیه تکفیری ها را در یک جعل خبری به عنوان جنگ میان شیعیان و اهل سنت معرفی کنند.»



عکس‌خند:
محمد کوره پز



پوهو!

کجا بودی؟

رفته بودم جشنواره کن
یه فیلم ایرانی ببینم!

جشنواره یا فشن شو؟

حورا | فطور چیان

ولی وضع مالی عوامل و بازیگران جشنواره ی عمار
بهتر از جشنواره های دیگه است ها
تو جشنواره ی فجر نصف بازیگرا تو قالیشویی کار میکنند و با همون چکمه و
لباس کار روی سن میان!

سال قبل میخواستم برم جشنواره ی "بوق"
، جلوی در یک آقایی رو دیدم که لباس باب
اسفنجی پوشیده بود
هیچی دیگه فکر کردم از این تبلیغاتی رستوران
هاست و اشتباه اومدم! برگشتم خونه

همینکه میشه مراسم افتتاحیه و اختتامیه ی عمار رو از
تلویزیون ملی پخش کرد یعنی داداش داری درست میری!
وگرنه تو جشنواره های دیگه "دوربین یک" زوم کرده رو
نورافکن سقف! "دوربین دو" هم تصویر بسته ی حاج آقایی
که ردیف اول نشسته و به زمین چشم دوخته میگیره!

ابزار و ادوات لازم جهت همراهی در سینما

ناصر | جوادی

علاوه بر پف فیل که به صورت پیش فرض برای دیدن هر نوع
فیلمی لازم است و برای ورود به سینما داشتنش از بلیط هم
واجب تر است
هر فیلمی یک سری ابزار مخصوص به خود را نیز دارد که شما
را با آنها آشنا میکنیم

سلام بمبئی: مقداری نمک! (ترجیحا ید دار) عرق نعنای جهت
جلوگیری از رودل کردن و عق زدن!

جنگال در عروسی: با وجود این که این فیلم در ژانر کودک
قرار گرفته اما خب همراه داشتن مقداری پنبه (جهت چپاندن
در گوش کودکان به هنگام استفاده از الفاظ +۱۸) ضروری
است!

فروشنده: یک گونی سیب زمینی!
پنجاه کیلو آلبالو: بالشت، پتو و مایع تاسف به مقدار لازم!
فیلم های جشنواره ای: منشور کوروش، شاه نامه فردوسی و
گل خداداد عزیزی به استرالیا (جهت بالانس غرور ملی!)

پشت پرده خانه سینما چه خبر است؟؟

شاهرخ بیرامی

قرار شد، سینما را به شکل خانه ای ببینیم که هر بخش یا اتاق آن پنجره ای دارد و هر پنجره پرده ای و بعد با هم ببینیم پشت هر کدام از این پرده ها چه خبر است؟؟ از پرده هال و پذیرایی گفتیم و حالا، به پشت پرده آشپزخانه می پردازیم! پشت این پرده همانطور که پیش بینی میشود، پخت و پز و شستشوی افکار جدیدالورود ها و آشنایی آنها با سنتهای (۱؟) هنر هفتم صورت میگیرد. بگونه ای که میتوان گفت سیستم آموزشی سینما در آشپزخانه آن تعبیه شده است. شاگرد ها هم از این فضا برای تعمیق روابط خود با اساتید استفاده میکنند، بلکه بتوانند برای خود، کار و شهرتی دست و پا کنند. مواد اولیه ای که در آشپزخانه برای تهیه خوراک فرهنگی استفاده میشود، معمولاً از آخر بار گزینش شده و اقلب فاسد است، موادی مثل بادنجان، خیار سالادی و سایر صیفی جات، که طبیعتاً نتیجه اش هم میشود موضوعاتی از جنس فساد، خیانت، سیاهی و سایر وابستگان. در سمت دیگر آشپزخانه و در ظرفشویی، فیلم نامه هایی هستند که به آنها آب بسته میشود، یعنی فیلم کوتاه میرود داخل، ۱۳ سیزن سریال در می آید بیرون! و به نوعی برای کارگردان و عوامل امنیت شغلی محسوب میشود. در گوشه ای دیگر، برخی از اهالی این حرفه هم که گمان میکنند دست پختشان برای ملت جذابیت دارد، آنجا برای هم غذا درست میکنند و میگویند بفرمایید غذا و از این دست پرت و پلاها که حتماً اذعان دارید چیزی بهتر از این، عطش مخاطب تشنه آگاهی و حقیقت را سیراب نمیکند. همچنان با ما باشید تا ببینیم پشت پرده اتاق خواب و توالت چه خبرهایی نهفته است.

ایران در روایت فیلمسازان خارج از کشور

احسان ملایی

در زیر قسمتهایی از دیالوگای یک فیلم ماهواره ای با تم درام اجتماعی را مرور میکنیم، که در شبکه هایی مثل من و اون و ریاضی طرفداران خاص خودش را دارد، این فیلم نامزدی بهترین فیلم خارجی در جشنواره های کن و گلدن گلوب و... را در کارنامه دارد:

داخل حیاط کنار چرخ فونیکس دهه ۵۰:
داداش عاطفه: بابا، عاطفه رو نفروش به اون رفیق الکلیت... زمزمه هایی به گوشم رسیده که دلار گرون میشه و ایسا گرون که شد بفروشش سودش بیشتره بابای داداش عاطفه: خوب لامصب الان پول موادمواز کجا بیارم؟؟
داداش عاطفه: یارانه ها رو فردا میریزن بابای داداش عاطفه: ععع، این تریاک لعنتی حواس واسه آدم نمیزاره، پس فعلا دست نگه میدارم

هنگام گرون شدن دلار کنار دستشویی:
بابای داداش عاطفه: خوب دیگه الان دلار شده ۴ تومن فکر نکنم گرونتر بشه بگم اصغر کراکی بیاد پا معامله؟؟
عاطفه: من زن اون پیر خرفت الکلی نمیشم
خواهر داداش عاطفه: بابا منو بفروش آینده عاطفه رو خراب نکن (گریه)
مادر داداش عاطفه: مرد داری چه غلطی میکنی؟؟
بابای داداش عاطفه: خوب میخوام عاطفه رو بفروشم
مادر داداش عاطفه: خاک بر سر سرب میغزت کنم، میخوای تک فروشی کنی، خواهر رو با هم بفروش سودش ۲ برابر میشه
بابای داداش عاطفه: آخه ی حسی بم میگه دلار گرونتر میشه!! خواهر داداش عاطفه رو گذاشتم برای روز مبادا

آخر فیلم
در هنگام معامله تو حیاط کنار حوض خالی، داداش عاطفه سر میرسه و خریدار را با تیزی سر میبهره و پولها را اور میداره و میزنه به زخم زندگی و خواهرها را به آغوش گرم زندگی نکبت بارشان بر میگردداند

عمار تیترو، روزنامه ها میشود

بهزاد توفیقفر

آرمان روابط عمومی:
هاشمی رفسنجانی: امام باکنگره پزشکی یاسر مخالف بود

آفتاب یزد:
تجارت کثیف دلواپسان: سینما فلسطین رابه سالن دیدن فیلم تبدیل کردند!

ایران:
عبور سخنگوی دولت از مقابل پوستر جشنواره "ع"

ایتکار:
جشنواره "ع" در تهران، عامل اصلی ورود ریزگردها به خوزستان

اطلاعات:
قطعنامه ۵۹۸ توسط امام پذیرفته شد!

اعتماد:
گزینه جدید تندرورها، اعلام کاندیداتوری ننه لیلادر جشنواره عمار

سیاست روز:
آقایان خاص، در سینمای خاص، با فیلم های خاص!

شرق:
رونمایی از دستاورد جدید دیپلماسی ظریف جشنواره عمار در خیابان ولی عصر

شهروند:
خودشان شربت خوردند، به ما چایی دادند! گزارش اختصاصی شهروند از افتتاحیه جشنواره عمار

دنیای اقتصاد:
پیش بینی اکونومیست از جشنواره عمار ۲۰۲۰

جام جم:
نور سرد مردم با آتش فلسطین گرم شد

جمهوری اسلامی:
نظر شیخ "عمار شبیه" درباره جشنواره عمار: اصلاً شخصی به نام عمار وجود نداشته است

جوان:
خانسان علیه عمار...

فرهیختگان:
هزینه های سرسام آور برای جشنواره عمار

قانون:
"واره" گفتن به جشن، پیگیری قضایی دارد مصاحبه با دکتر چیلپت

کیهان:
حمایت پوتین از عمار

مردم سالاری:
پسر ایران در آرزوی شلوار خال خالی!

وطن امروز:
عمار، فجر را پایمال کرد

هفت صبح:
جناب خان به جشنواره عمار نرفت!

همشهری:
مدیریت زیبا، جادار، مطمئن شهری در سینما فلسطین

تحریریه: سجاد اسلامیان، ابوالفضل رضایی، مجید مالکی، مجتبی مالکی، محمدرضا پورصفا، محمود شم آبادی، محمدرضا طالبی آهویی، روزبه قمصری، نوید نوروزی، ابراهیم وکیلی گندمانی مدیر هنری: حسین شهریار



ارغوان

تهیه کننده: امیر مهدی پوروزیری

نویسنده و کارگردان: مهدیار عقابی

موسیقی: گروه نسیم قدر / شاعر و سرپرست گروه: سیدضیامحسینی

آهنگساز: محسن ناحی / تنظیم موسیقی: امید روشن بین

تصویر بردار: یحیی رضایی / مدیر تولید: علی شمس



به سفارش مرکز موسیقی بسج